

■ نقش آمریکا در تفرقه افکنی در ایران در

سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲/۱۹۴۱-۱۹۵۳

علی اکبر جعفری | عظیمه پاینده

■ چکیده

جنگ جهانی دوم نتایجی همچون سامان یافتن اقتصاد آمریکا، تضعیف قدرت انگلیس، و توجه دولت‌های قدرتمند به ایران، به دلیل موقعیت استراتژیک و منابع نفتی را به همراه داشت که برای ایران به بی‌ثباتی در همهٔ زمینه‌ها منجر شد. در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲، آمریکا و انگلیس با حمایت از دولت‌هایی همچون قوام و رزم‌آرا، و عناصر وابسته با انواع اقدامات فرهنگی، به ایجاد تفرقه افکنی در گروه‌های مبارز پرداختند. در جریان ملی شدن صنعت نفت و تا زمانی که نیروهای ملی-مذهبی به رهبری آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق با هدف بیگانه‌ستیزی متحد بودند، آنها نتوانستند به اهداف خود برسند؛ اما تفرقه بین آنها باعث شد، آمریکا، دو رقیب بین‌المللی را از تسلط بر ایران کنار زند و سرانجام با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲/۱۹۵۳ ایران را تحت نفوذ خود درآورد.

هدف: بررسی نقش آمریکا در تفرقه افکنی و بحران آفرینی در دورهٔ زمانی ۱۳۲۰-۱۳۳۲/۱۹۴۱-۱۹۵۳ می‌باشد.

فرضیهٔ پژوهش: «سیاست تفرقه افکنی بین گروه‌ها و نهادهای ایرانی ابزاری مؤثر برای رسیدن آمریکا به اهدافش در سال‌های مورد بحث بود.»

یافته‌های پژوهش: با کودتای ۲۸ مرداد، آمریکا توانست رقبای بین‌المللی‌اش را کنار بزند و بر ایران مسلط شود. با توجه به این موضوع می‌توان نتیجه گرفت که تفرقه افکنی توسط مخالفان، یکی از کم هزینه‌ترین و درعین حال مؤثرترین ابزار برای رسیدن به اهداف مورد استفاده قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها

آمریکا، تفرقه افکنی، ایران، انگلیس، شوروی.

تحقیقات تاریخی

فصلنامهٔ گنجینهٔ اسناد: سال بیستم و ششم، دفتر اول، (بهار ۱۳۹۵)، ۵۸-۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۲۰ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۱۵

نقش آمریکا در تفرقه افکنی در ایران در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲/۱۹۴۱-۱۹۵۳

علی اکبر جعفری^۱ | عظیمه پاینده^۲

مقدمه

سابقه روابط ایران و آمریکا به دوره قاجار باز می‌گردد. عملکرد این دولت در ایران، در دوره قاجار، و حتی در زمان پهلوی به گونه‌ای نبود که تصویری سلطه‌جویانه برای مردم ایران از آمریکا ایجاد شود. این موضوع دلایل متعددی دارد که مجال پرداختن به آنها در این پژوهش نیست، ولی این ویژگی از دلایل اصلی حضور بدون چالش برای آمریکا در ایران بود. آمریکایی‌ها، قبل از جنگ دوم جهانی، در حاشیه روسیه و انگلیس، و با سابقه منفعت طلبانه در ایران حضور داشتند و بعد از پیروزی در جنگ به عنوان قدرت برتر در عرصه بین‌المللی ظاهر شدند. پس از این تاریخ و برای دستیابی به منافع کلان در ایران و نیز منابع نفتی حضور جدی‌تری با رویکردی تفرقه‌افکنانه پیدا کردند و سرانجام با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به این اهداف خود سامان بخشیدند. در واقع، کودتای ۲۸ مرداد نتیجه یک دهه تلاش آمریکایی‌ها در ایران با راهبرد تفرقه بود. آمریکایی‌ها در این دهه تلاش کردند با استفاده از رویکردهای جدید سلطه بین‌المللی، و با ایجاد تفرقه در عناصر مؤثر در ایران زمینه سلطه پیوسته خود را فراهم نمایند، هدفی که بعد از کودتا تحقق یافت.

انگیزه و هدف اصلی تدوین این پژوهش، بررسی و تحلیل اصلی‌ترین رویکرد سیاست خارجی آمریکا در طول دوران روابطش با ایران است. این سیاست، که به تاسی از عملکرد اروپاییان از روزگار پیش از این در ایران بود، سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» بود که به نظر می‌رسد در تمام دکترین‌های آمریکا در روابطش با ایران دیده می‌شود. توجه به

۱. دانشیار تاریخ، دانشگاه اصفهان.

اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

a.jafari2348@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد تاریخ، دانشگاه اصفهان.

اصفهان، ایران

Apayandeh31@yahoo.com

این توطئه‌ها و بررسی چگونگی تفرقه‌افکنی در ایران به وسیله آمریکا در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲/۱۹۴۱-۱۹۵۳ به دلیل استمرار این سیاست ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا با آگاهی، کیاست، دقت، پرهیز از خودخواهی، و ساده‌پنداری می‌توان در مقابل این سیاست، تدبیر نمود. این پژوهش برآن است تا با بررسی این موضوع، به پرسش‌هایی نظیر چرایی و انگیزه‌های آمریکا از تفرقه‌افکنی در ایران، چگونگی ایجاد تفرقه در ایران در فاصله سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲/۱۹۴۱-۱۹۵۳ پاسخ گوید.

پیشینه پژوهش

پیرامون دخالت‌های آمریکا در ایران از بعد از سال ۱۳۲۰/۱۹۴۱، منابع داخلی و خارجی متعددی وجود دارد؛ اما با توجه به محرمانه بودن اسناد آمریکا و انگلیس به‌خصوص در مورد کودتای ۲۸ مرداد و منتشر نشدن یا از بین بردن این اسناد توسط آمریکا، بیشتر این منابع ناقص‌اند یا با جانبداری نوشته شده‌اند. بعد از انقلاب اسلامی، با همت وزارت اطلاعات بسیاری از این اسناد منتشر شد، اما هنوز هم اسناد بسیاری در آرشیو سیا موجود است. کتاب کودتا نوشته یرواند آبراهامیان، بسیاری از اقدامات پشت پرده آمریکا را در تفرقه‌افکنی در ایران آشکار می‌کند؛ اما در مورد آیت‌الله کاشانی اطلاعات نادرست و مبهمی ارائه می‌دهد، مجموعه صوتی «ظهور و سقوط مصدق» و خاطرات خانواده آیت‌الله کاشانی در این موضوع به دلیل اینکه مرعوب تبلیغات نشده و گوشه‌های ظریفی از فضای آن زمان به‌ویژه پیرامون آیت‌الله کاشانی ارائه داده‌اند، از جایگاه مناسبی در اینگونه مطالعات برخوردارند. با وجود این، پژوهش‌های انجام شده پیرامون دخالت و نفوذ سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی آمریکا در ایران است و بحث عملکرد عمومی آمریکا را مورد مطالعه قرار داده‌اند و از اینکه پشت این اقدامات، سیاست «تفرقه افکنی» وجود داشته، غافل بوده‌اند.

مروری کوتاه بر وضعیت ایران و جهان در آستانه جنگ جهانی دوم

جهان در آستانه جنگ بین‌المللی دوم، به دو قطب کمونیستی و سرمایه‌داری تقسیم شده بود. انگلیس، آلمان، ایالت متحده آمریکا، ژاپن، و اتحاد جماهیر شوروی پنج قدرت اصلی جهان به‌شمار می‌رفتند. بحران اقتصادی ۱۹۲۹/۱۳۰۸ در جهان سرمایه‌داری که از آمریکا آغاز شد و دامنه آن به فرانسه و انگلیس هم رسید، به شوروی فرصت داد تا به‌عنوان حمایت از طبقه کارگر و مبارزه با سرمایه‌داری، دست به تبلیغات وسیعی بزند. جهان غرب نیز برای نجات خویش در مقابل شوروی، کمک‌های فراوان مالی خود را به هیتلر در آلمان آغاز کرد و سرانجام هم او را به جنگ‌طلبی و یورش به شوروی تحریک نمود.



آمریکا با رویارو قراردادن آلمان و شوروی، رقیب را تضعیف کرد و با افزایش تولیدات نظامی خود، گروه کثیری بیکار را جذب نمود و اقتصاد نابسامان خود را سروسامان می‌داد (بولارد و اسکراین، ۱۳۶۴، صص ۲ و ۳). جنگ جهانی دوم سبب شکوفایی اقتصاد آمریکا و به زیان کشورهای اروپایی به پایان رسید، به طوری که در سال ۱۹۳۹/۱۳۱۸ آمریکا توانست تمام عوارض بحران اقتصادی‌اش را جبران کند. طبیعی است که انگلستان، با اقتصادی نابسامان، دیگر نمی‌توانست سرویس‌های جاسوسی خود را تأمین کند و لذا آن را به آمریکا تحویل داد (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۰، ج ۲، صص ۲۰۶-۲۰۸). البته، تأسیس و آغاز به کار سازمان اطلاعاتی آمریکا از سال ۱۷۷۷/۱۱۵۶ است، اما دوران جاسوسی حرفه‌ای همزمان با آغاز جنگ جهانی دوم است که روزولت، رئیس جمهور آمریکا، سرهنگ ویلیام دونوان را مأمور ساخت که تمامی اطلاعات استراتژیک را گردآوری کند. در واقع، فعالیت اطلاعاتی سیا، به ریاست هلمز، با تأسیس خدمات استراتژیک ا.اس.اس. توسط ویلیام دونوان آغاز شد (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۰، ج ۲، صص ۲۰۲-۲۰۳. فاتح، ۱۳۳۵، صص ۵۰۲-۵۰۱؛ 31/1/94: www.ir-psri.com).

در چنین شرایط بین‌المللی، انگلیسی‌ها همچنان از سیاست تقویت دولت مرکزی ایران پیروی می‌کردند و به تقویت رضاشاه می‌پرداختند (کاتوزیان، ۱۳۸۰، صص ۲۳۰-۲۳۴ و ۳۰۵؛ نجفی و فقیه حقانی، ۱۳۸۴، ص ۴۳۳). اندیشه به اصطلاح نوگرایی، سکولاریسم، و تجدیدطلبانه رضاشاه، ارزش‌های اجتماعی و روش‌های تولیدی سنتی را علل عقب ماندگی و سرچشمه شرمساری ملی می‌پنداشت و صنعتی شدن را نه یک وسیله که هدف غایی به‌شمار می‌آورد (نجفی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۲؛ کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۴۳۹). رضاشاه، این نوع سیاست را که نه مدرنیسم جامعه اروپایی بلکه شبه‌مدرنیسم در جامعه ایرانی با سابقه فرهنگی و دینی متفاوت با جامعه اروپایی بود - با حکومت استبدادی درآمیخته بود. تأسیس دانشگاه تهران با سرمایه‌گذاری دولتی در آموزش علمی پرهزینه، نه تنها اقدام مهمی در جهت ارتقای علمی نبود، بلکه بی‌سواد بودن ۸۵ تا ۹۰ درصد مردم در آستانه سقوط رضاشاه را در ایران می‌توان دید. راه آهن تأسیس شد، اما هیچ سود اقتصادی، جبران هزینه تأسیس آن را نکرد. درآمد روز افزون غرب به‌بهای غفلت از کشاورزی و روستاها، باعث سرمایه‌گذاری‌های دولتی در صنایع و زیرساخت‌ها شد. رشد صنایع کارخانه‌ای، هرچند باعث افزایش جمعیت شهرهای بزرگ، افزایش مهاجرت از روستاها به شهرها، و بالا رفتن سطح بهداشت شد؛ اما آن امکانات فقط مخصوص قشر خاص و محدودی بود. ارتش، با آن همه سرمایه‌گذاری کلانی که برای تشکیل و تقویتش صورت پذیرفته بود، در زمان استعفای رضاشاه نتوانست از عهده دفاع از مرزها برآید. سیاست همراه با

خسونت کشف حجاب در جامعه مذهبی ایران، زخم‌های عمیقی بر روح زنان ایرانی گذاشت. رشد ظاهری سیستم صنایع اداری باعث تورم دستگاه اداری شد. اصلاحات قضایی داور، با هدف تحقیر و تضعیف روحانیت و جدایی دین از سیاست در ایران، بدون هیچ جایگزینی برای مذهب صورت گرفت. سیاست اسکان عشایر رضاشاه، که پیرو سیاست تمرکزگرایی انگلیس برای مقابله با شوروی و در راستای منافع غرب بود، اثرات ویران‌کننده‌ای بر تولید شبانکارگی چادرنشینی و دامداری گذاشت و باعث تلفات انسانی شد (کاتوزیان، ۱۳۸۰، صص ۴۴۰-۴۴۶ و ۲۹۱ و ۲۷؛ نجفی و فقیه‌حقانی، ۱۳۸۴، ص ۴۳۳؛ فوران، ۱۳۹۰، ص ۳۵۱؛ آبراهامیان، ۱۳۹۲، ص ۱۷۵). علاقه رضاشاه به زمین و مصادره مستقیم، فروش‌های اجباری و طرح ادعاهای مشکوک مبنی بر تعلق زمین‌ها به املاک سلطنتی، باعث شد که نه تنها او از یک سردار سپه و فرمانده نظامی در سال ۱۳۰۰/۱۹۲۰ به ثروتمندترین مرد ایران در زمان استعفا تبدیل شود، بلکه باعث تقویت قشر سرمایه‌دار و تضعیف و نارضایتی بیشتر جامعه ایرانی شد (آبراهامیان، ۱۳۹۲، صص ۱۸۸ و ۱۷۱). نتیجه سیاست رضاشاه این بود که زمین‌دار بودن، دیگر جزئی از یک اقتصاد یکپارچه ملی نبود، بلکه سوددهی بر اساس اتکا به بازارهای خارجی شده بود. کشاورزان به صورت بردگانی درآمدند که فرآورده‌های کشاورزی را جهت مصرف خود و زمین‌داران تولید نمی‌کردند، بلکه هدف از این تولید پر کردن جیب زمین‌داران از محل صادرات بود (آوری، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۸۹). ایجاد فاصله زیاد بین دو طبقه ثروتمند و فقیر در داخل ایران از دیگر نتایج این اقدام بود. نظارت بر مجلس، تعطیلی روزنامه‌ها، از بین بردن احزاب و گروه‌ها، و حتی از بین بردن و منزوی کردن حامیانش باعث شد که این گروه‌ها، به آتش زیر خاکستر تبدیل شوند (آوری، ۱۳۷۹، ج ۱، صص ۱۷۲ و ۱۷۳؛ فوران، ۱۳۹۰، صص ۳۵۷-۳۵۸). در این شرایط که آمریکا و انگلیس به دنبال سیاست‌های سلطه‌جویانه خود، آلمان را تقویت کردند، رضاشاه نیز یا بدون توجه به این سیاست یا پیرو سیاست‌های آمریکا و انگلیس، روی به جانب آلمان آورد؛ به گونه‌ای که روابط ایران و آلمان به طور چشمگیری افزایش یافت و باعث وابستگی ایران به داد و ستد با آلمان شد (بولارد، اسکراین، ۱۳۶۴، ص ۵؛ استوارت، ۱۳۷۰، صص ۱۵-۱۸؛ فوران، ۱۳۹۰، صص ۳۸۰-۳۸۳). مدتی بعد و با تغییر سیاست هیتلر نسبت به آمریکا و انگلیس، موضع آمریکا و انگلیس و فرانسه هم نسبت به آلمان تغییر کرد (بولارد، اسکراین، ۱۳۶۵، ص ۵۲). این موضوع، به طور کلی معادلات پیش‌بینی شده جنگ را بر هم زد. در چنین شرایطی، موقعیت استراتژیک ایران و منابع نفتی ایران باعث شد که متفقین بدون توجه به اعلام بی‌طرفی ایران به بهانه خارج نشدن نیروهای آلمانی از ایران وارد ایران شدند و رضاشاه را مجبور به برکناری و سرانجام تبعید کردند (روبین، ۱۳۳۳، ص ۱۲۷ و ۲۳-۲۴؛ کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۳۶۲). این شرایط جدید زمینه اصلی حضور پررنگ آمریکا را در ایران فراهم نمود.



سابقه نفوذ آمریکا در ایران

مناسبات سیاسی و دیپلماتیک بین ایران و آمریکا در ۱۸۸۳/۱۲۶۲ برقرار شد. در دوران سلطنت ناصرالدین شاه، اسپنسر پرات، سفیر آمریکا در ایران در ۱۸۸۶/۱۲۶۵ قراردادی در خصوص تأسیس بانک و احداث راه آهن و بستن سد بر روی رودخانه‌ها و استخراج معادن بین ایالات متحده و ایران منعقد کرد که آغاز سیاست‌های منفعت‌طلبانه آمریکا در ایران بود (دلدم، بی تا، ص ۷۹). نفوذ فرهنگی آمریکا در ایران با اعزام مبلغان مسیحی توسط آمریکا به ایران آغاز شد. در سال ۱۹۱۰/۱۲۸۹، انجمن تربیتی ایران و آمریکا با هدف آموزش کودکان ایران با شعار بشر دوستی و برادری و اتحاد اعلام وجود کرد (روبین، ۱۳۶۳، صص ۹ و ۱۰؛ موجانی، ۱۳۷۵، ص ۴۴۷؛ کینزر، ۱۳۸۲، ص ۱۲۸). در سال ۱۹۱۱/۱۲۹۰، آمریکا، ایران را به دلیل وجود معادنی که به دلیل جاده‌های نامناسب دست‌نخورده باقی مانده بود، برای سرمایه‌گذاری مناسب دانست (موجانی، ۱۳۷۵، ص ۴۴۵). با استقرار حکومت مشروطه در ایران، آمریکا در صدد برقراری روابط تولیدی و سرمایه‌داری در ایران برآمد (موجانی، ۱۳۷۵، ص ۴۴۵). جنگ جهانی اول باعث بهبود موقعیت آمریکا شد؛ زیرا آمریکا در این مقطع به طور علنی خود را درگیر رقابت با دو ابرقدرت روس و انگلیس نمود و در امور داخلی ایران دارای مناصبی شد (غضنفری، ۱۳۸۰، ص ۲۱).

علاقه آمریکایی‌ها به نفت خاورمیانه از سال‌های بعد از جنگ جهانی اول آغاز شد. شرکت‌های نفتی آمریکایی از دهه ۱۹۲۰/۱۳۰۰ برای دستیابی به امتیازاتی در ایران تلاش کردند. کمپانی «استاندارد اویل» که از شرکت‌های بزرگ آمریکایی بود، در ۱۹۲۰/۱۳۰۰، برای کسب امتیاز نفت شمال ایران مذاکراتی را آغاز نمود که مخالفت انگلیسی‌ها شرکت را از عمل منصرف کرد. در ۱۹۲۳/۱۳۰۲، کمپانی نفتی «سینکالر» نیز گفت‌وگوهای مشابهی انجام داد که این بار به علت قتل ایمبری، کنسول آمریکا در تهران منتفی شد. آمریکا، در ۱۹۳۷/۱۳۱۵، دوباره هیئتی برای مذاکرات نفت شمال فرستاد؛ ولی این بار نیز به دلیل فشار انگلستان مسکوت ماند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۸، صص ۱۰۱-۱۰۰). یکی از شعبه‌های کمپانی نفتی «سی بورد»، در ۱۹۳۷/۱۳۱۶؛ و کمپانی نفتی «استاندارد واکيوم» در ۱۹۴۰/۱۳۱۹ در همین زمینه تلاش نمودند. حضور فزاینده آمریکا در اوایل دهه ۱۹۴۰/۱۳۱۹، تشنج موجود میان آمریکا و انگلیس را به شدت افزایش داد. تلاش کمپانی‌های آمریکا به شکست انجامید، اما علاقه‌مندی آمریکا برای کسب امتیاز در طول این دوره بیست ساله، همچنان وجود داشت (غضنفری، ۱۳۸۰، صص ۲۱-۲۲). در طول جنگ جهانی دوم، مواضع آمریکا در مورد نفت ایران مستحکم نبود و انگلیس بر منابع نفتی ایران مسلط بود. با وجود این، شرکت‌های نفتی آمریکایی برای اینکه در نفت جنوب ایران دستی یابند، مسئله را در کنگره و دولت



آمریکا مطرح کردند. در ۱۹۴۳/۱۳۲۲، شرکت‌های سینک‌ر و سوکونی واکيوم آمریکایی و رویال داچ شل، امتیاز نفت بلوچستان را خواستار شدند که این بار با رقابت شوروی روبه‌رو شدند. کمپانی‌های عظیم نفتی آمریکا از انحصار نفت ایران توسط شرکت نفت انگلیس خشنود نبودند و به تسخیر آن طمع داشتند. این رقابت‌ها ادامه داشت تا اینکه با کودتای ۲۸ مرداد، آمریکا جای انگلیس را با تسلط بر منابع نفتی ایران گرفت (هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۸، صص ۱۰۲-۱۰۳؛ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۷۶).

نقش آمریکا در تفرقه افکنی در ایران از سال ۱۳۲۰-۱۳۲۷ ش

استعفا و تبعید رضاشاه از ایران، نارضایتی‌های سرکوب شده، شانزده ساله رافرو ریخت (آبراهامیان، ۱۳۹۲، ص ۲۰۷). در شرایطی که سکوت افسران، ایلات و عشایر، سیاستمداران، رهبران مذهبی، و سایر احزاب و گروه‌ها شکسته شد؛ در داخل ایران، قدرت بین دربار، مجلس، کابینه، سفارتخانه‌های خارجی، و مردم تقسیم شد. مجلس نیز به جناح‌های مختلف همچنین گروه‌های طرفدار انگلیس، آمریکا، و شوروی تقسیم شده بود (آبراهامیان، ۱۳۹۲، ص ۲۰۸). در چنین شرایط آشفته‌ای، که شاه فقط نگران تاج و تخت و جان خود بود، قدرت‌های خارجی بر سر منابع نفتی، ایران را صحنه رقابت‌های خود نمودند. دولت و جناح‌های مجلس نیز باید طبق سیاست‌های ابرقدرت‌ها عمل می‌نمودند (آوری، ۱۳۶۹، ص ۲۴۹؛ آبراهامیان، ۱۳۹۲، ص ۲۰۸). در ۲۲ مرداد ۱۳۲۰/۱۴ آگوست ۱۹۴۱، روزولت و چرچیل در پیمان آتلانتیک شمالی، نظم جدید جهانی بعد از جنگ و سلطه قاطع آمریکا بر انگلیس را به ثبت رساندند که هسته اصلی روابط دوستانه انگلیس و آمریکا بود (دلدم، بی‌تا، ص ۱۶۲؛ کینزر، ۱۳۸۲، ص ۱۲۷؛ میلسپو، ۱۳۷۰، ص ۷۳). به دلیل اهمیت استراتژیک خاورمیانه و به خصوص ایران و وجود نفت در این کشورها، آمریکا در صدد رخنه و قدرت‌طلبی و سلطه بر خاورمیانه برآمد (روزولت، بی‌تا، صص ۱۴-۱۵؛ هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۸، ص ۳۱؛ لسانی، ۱۳۵۷، ص ۳۸۵). در ۱۹۴۳/۱۳۲۲، کوردن هان، وزیر خارجه آمریکا، در نامه‌ای به روزولت، رئیس‌جمهور، منافع آمریکا در ایران را مطرح و بعد از بر شمردن دلایل حضور و نفوذ آمریکا در ایران برای خنثی کردن حضور قدرتمندان انگلیس و روسیه تصریح کرد که به نفع منافع دراز مدت آمریکاست که در ایران - که در مقابل مجتمع نفتی آمریکا در عربستان سعودی قرار گرفته است - قدرت بزرگی مستقر نشود (واعظی، ۱۳۸۱، ص ۵۵؛ آبراهامیان، ۱۳۹۲، ص ۱۴۰). از جمله اهداف بلندمدت آمریکا در ایران که بعدها در سال ۱۹۷۱/۱۳۵۰ به آن دست یافت، این بود که ایران را به عامل مهم ثبات در منطقه حساس و نفت‌خیز خلیج فارس تبدیل کند و از نظر نظامی هم ایران را چنان تقویت کند که به ژاندارم منطقه تبدیل



شود (روبین، ۱۳۶۳، ص ۱۲۷). سیاستمداران آمریکایی مدعی بودند افزایش برنامه کمک‌های نظامی برای حفظ امنیت ملی آمریکا بسیار ضروری است، چراکه امنیت ملی آمریکا وابسته به ادامه حیات جهان سرمایه‌داری است که با آنها در دفاع عمومی (قانون امنیت مشترک) علیه سلطه شوروی متحد و همراه هستند (استادوخ، ۱۶۵-۱۹-۱۳/۹-۱۳۲۹). به همین دلیل، برنامه کمک‌های ایالات متحده در جهت حفظ منافع ملی و استراتژیک آن کشور طراحی و عملیاتی شده بود و با ظاهری دوستانه برای مبارزه با سلطه شوروی پشتوانه منافع ملی آن کشور شد (استادوخ، ۱۹۳-۱۹-۱۳/۹-۱۳۲۹). از طرف دیگر، از جنگ جهانی دوم به بعد، صهیونیسم در صحنه سیاست آمریکا به عنصری قوی و تأثیرگذار تبدیل شد (ولایتی، ۱۳۸۳، صص ۳۵-۳۶؛ محمدی، ۱۳۶۶، ص ۶۸). آمریکا می‌خواست با سلطه بر خلیج فارس، نفت ارزان قیمت را از خلیج فارس به اروپا و اسرائیل منتقل و از این راه سود عایدش شود (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۱۰).

در راستای این منافع، سیاست تفرقه‌افکنی آمریکا در ایران طبق گفته لوئیس دریفوس^۲، با هدف معرفی آمریکا به عنوان دوست ایران آغاز شد. آمریکا، این سیاست به ظاهر دوستانه خود را با سیاست تقبیح انگلیس و شوروی همراه کرد (واعظی، ۱۳۸۱، ص ۵۵؛ فاتح، ۱۳۳۵، ص ۵۰۴).

اوضاع ایران بعد از شهریور ۱۳۲۰/۱۹۴۱ بحرانی بود و با دخالت‌های آمریکا، انگلیس، و شوروی بحرانی‌تر هم شد (آبراهامیان، ۱۳۹۱، ص ۲۰۹). یکی از کانون‌های سیاسی ایران که متفقین (از جمله آمریکا) در آن به دخالت و تفرقه‌افکنی پرداختند، مجلس بود. مجلس سیزدهم از فراکسیون‌های اتحاد ملی، میهن، آذربایجان، و عدالت تشکیل شده بود که هر چهار فراکسیون به طریقی تحت نفوذ آمریکا بودند (آبراهامیان، ۱۳۹۱، صص ۲۲۰-۲۲۳). مجلس، سهیلی را که حامی سیاست‌های آمریکا بود، بعد از فروغی به‌عنوان نخست‌وزیر انتخاب کرد. یکی از اقدامات سهیلی در راستای منافع متفقین از جمله آمریکا این بود که نه به‌خاطر امنیت عشایر ایران، بلکه به‌خاطر اینکه متفقین معتقد بودند بدون حصول توافق دولت مرکزی با عشایر شورشی، خطوط ارتباطی آنها امن نخواهد شد، با عشایر توافق و اعلام کرد که کوچ‌های سالانه را مجاز، مجریان بی‌انصاف را مجازات، اهمال کاری‌های گذشته را جبران، و برای امور ایلات و عشایر یک شورای دائمی تعیین کند و زمین‌هایی را که رضاشاه مصادره کرده بود بازگرداند. این اقدام سهیلی باعث مخالفت مالکان جدید و همچنین فرماندهان نظامی شد (آبراهامیان، ۱۳۹۱، ص ۲۲۴). در دوران اشغال ایران، متفقین با بهانه کمبود کشتی‌های باری، بیشتر احتیاجات خود، به‌خصوص غلات را با حداقل قیمت در داخل ایران تأمین می‌کردند (عتیق‌پور، ۱۳۷۹، ص ۱۲). قحطی، شیوع بیماری‌های مختلف،

1. Mutual security act (MSA)
۲. وزیر مختار آمریکا در ایران در
سال‌های ۱۳۱۹-۱۳۳۲/۱۹۴۴-۱۹۶۰



کاهش ارزش پول و رکود صادرات، ناامنی، تورم، افزایش مصرف، کمبود مواد غذایی و کالاهای اساسی، فقر، و گرسنگی، از مهم‌ترین پیامدهای حضور متفقین در ایران بود. در این دوره زمانی کمبود نان مهم‌ترین مشکل مردم ایران بود و اعتراض‌های مردم را در پی داشت (مدنی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۷۹؛ فوران، ۱۳۹۰، صص ۳۹۹-۴۰۰). دخالت‌های نابه‌جای متفقین در مسائل داخلی ایران، باعث بی‌ثباتی سیاسی و سرانجام هم تفرقه و آشوب داخل ایران شد (آبراهامیان، ۱۳۹۱، ص ۲۲۴). دولت‌های وابسته به بیگانه هم نه تنها برای منافع ایران اقدامی انجام نمی‌دادند، بلکه در راستای سیاست‌های بیگانه اعتراض‌های مردمی را سرکوب می‌کردند. بر اساس اسناد، نمونه آن سرکوب اعتراض مردم در بلوای نان به فرمان قوام و اجرای امیراحمدی بود (عتیق‌پور، ۱۳۷۹، صص ۱۳۹-۱۴۰). استخدام میلسپوی آمریکایی توسط قوام در ۱۳۲۱/۱۹۴۲ نیز نه تنها اقتصاد ایران را سر و سامان نداد، بلکه میلسپو با تحت کنترل گرفتن امور مالی ایران در راستای اهداف و منافع آمریکا برای آماده‌سازی ایران بعد از جنگ، اقتصاد ایران را به سمت ورشکستگی کشاند و باعث تفرقه و اختلاف و اعتراض نمایندگان مجلس شد (مدنی، ۱۳۸۷، صص ۲۸۱-۲۸۲؛ یمگانی، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۸۲؛ میلسپو، ۱۳۷۰، صص ۷۱-۷۲، ۷۷ و ۱۵۰).

درخواست امتیاز نفتی

از تیر ۱۳۲۲ / ژوئیه ۱۹۴۳، آمریکا در رقابت بر سر ذخایر نفتی خلیج فارس حضور جدی پیدا کرد و سازمانی به نام «سازمان ذخایر نفتی» با وظیفه و تعهد تهیه منابع و ذخایر جدید نفتی در خارج از مرزهای ایالات متحده به وجود آورد (دلدم، بی تا، ۲۲۵). در همان سال، گفت‌وگوهای پنهانی میان نخست‌وزیر ایران، ساعد، و شرکت‌های نفتی آمریکایی و انگلیسی انجام شد. در مرداد ۱۳۲۳ / آگوست ۱۹۴۴ رادمنش، نماینده فراکسیون حزب توده، این گفت‌وگوها را در مجلس افشا نمود. این بحران نفتی، جنگ سرد را، پیش از آغاز آن در اروپا، در ایران به راه انداخت. تفرقه و اختلاف بین نمایندگان مجلس آغاز و به شورش‌های خیابانی حزب توده برای تقاضای امتیاز نفتی مشابه برای شوروی ادامه یافت و سرانجام هم «کافتارادزه»، معاون وزارت خارجه شوروی، برای طرح امتیاز نفت شمال در رقابت با شرکت‌های آمریکایی به ایران آمد. بعد از حضور کافتارادزه در ۱۱ شهریور ۱۳۲۳ / ۲ سپتامبر ۱۹۴۴ در دولت ساعد تصمیم گرفته شد که تا قبل از خاتمه جنگ و تخلیه ایران از قوای نظامی بیگانه، هیچ‌گونه مذاکره و قراردادی در مورد اعطای امتیازات نفتی با کشورهای خارجی صورت نگیرد. البته، این موضوع صرفاً مصوبه دولت بود و در مجلس مطرح نشد. آنچه در مجلس مطرح شد، طرحی

بود با همین محتوا که با تصویب نمایندگان به صورت لازم‌الاجرا درآمد (یمگانی، ۱۳۵۷، ج ۱، صص ۳۵ و ۴۱؛ طبری، ۱۳۶۶، ص ۲۹؛ مدنی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۹).

در نتیجه مسکوت گذاشتن امتیاز نفت شمال در مجلس، شوروی این اقدام مجلس را رویه‌ای در تیرگی روابط دو کشور توصیف و به تحریک و تقویت فرقه دموکرات آذربایجان پرداخت (مدنی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۹؛ خلعت‌بری، ۱۳۷۳، ص ۶۲). در ۱۳۲۴/۱۹۴۵، فرقه دموکرات آذربایجان، پس از ملاقات پیشه‌وری با صلاح‌دید شوروی و مساعدت مالی همین دولت، ضمن اتحاد با شاخه‌ای از حزب توده تشکیل و برای قیامی مسلحانه آماده شد. در مهاباد نیز ناسیونالیست‌های کرد به تشویق شوروی، فرقه دموکرات کردستان را تشکیل دادند (مدنی، ۱۳۸۷، ص ۲۹۲؛ آبراهامیان، ۱۳۹۲، ص ۲۶۸).

سرویس اطلاعاتی انگلیس توسط جاسوسان برجسته‌ای چون آلن چارلز ترات، آن لمبتون، و ارنست پرون شبکه‌های بومی وسیع خود را بازسازی کرد. در همین زمان «اداره خاورمیانه» سرویس اطلاعاتی آمریکا، به ریاست کریمت روزولت، نخستین شبکه‌های خود را تنیده بود. هر دو سرویس جاسوسی، فعالیت‌های توطئه‌گرانه پیچیده و موروثی را، به‌ویژه در بحبوحه سال‌های ۱۳۲۴-۱۳۲۵ به فرجام رسانده بودند. از جمله این توطئه‌ها، تحریک سران عشایر جنوب، ناصر و خسرو قشقایی، و ملک منصور، با همکاری فضل‌الله زاهدی و حمایت پشت پرده قوام توسط روزولت و جاسوسان انگلیسی بود. هدف آنها این بود که شورشی مشابه فرقه دموکرات آذربایجان ایجاد کنند و خواستار خودمختاری فارس شوند. هدف انگلیس و آمریکا این بود که در رقابت با شوروی، برتری قوا را به سود خویش حفظ کنند (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۰، ج ۲، صص ۴۹-۵۱، ۱۷۸ و ۲۱۹؛ فردوست، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۵۰۵؛ روزولت، بی تا، ص ۱۲۰؛ میلیسپو، ۱۳۷۰، ص ۷۱). این جاسوسی‌ها، آثاری از جمله ناامنی، بی‌ثباتی سیاسی، و تفرقه در مجلس را در برداشت (آبراهامیان، ۱۳۹۲، صص ۲۶۹-۲۷۶). هر قدر فشار آمریکا و انگلیس به شوروی بیشتر می‌شد، فشار شوروی به ایران نیز شدت بیشتری می‌گرفت. روزنامه‌های توده‌ای، تبلیغات شدیدی کرده و از دولت تقاضا می‌کردند که پیشنهاد‌های روسیه را بپذیرد (فاتح، ۱۳۳۵، صص ۳۷۲-۳۷۵). ترومن، رئیس جمهور آمریکا، در ۱۹۴۷/۱۳۲۵، به استالین در مورد تخلیه ایران اولتیماتومی صادر و هدف خود را نجات ایران از گسترش کمونیسم بیان نمود (هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۸، ص ۳۵). آمریکا، با این اولتیماتوم نمایشی می‌خواست خود را قهرمان استقلال ملل شرق نشان دهد. چون سفیر آمریکا در تهران در ملاقات با شاه گفته بود به خاطر آذربایجان با دولت شوروی جنگ نمی‌کند (دلدم، بی تا، ص ۱۸۱). دلیل آن هم کنفرانس یالتا ۱۳۲۴/۱۹۴۵ بود که در آن سه دولت شوروی، انگلیس و آمریکا برای نفت ایران

۱. با توجه به تاریخ استعمار بریتانیا در هند، به گفته فردوست، سیستم جذب دستگاه اطلاعاتی انگلیس یک سیستم دودمانی و موروثی است. خانواده ریپورتر هم به صورت دودمانی و موروثی از اعضای این دستگاه اطلاعاتی بوده‌اند. در ادامه در مورد اقدامات شاپور ریپورتر در تفرقه افکنی در ایران در سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۳۲ توضیح داده می‌شود. جهت مطالعات بیشتر به دو جلد کتاب ظهور و سقوط سلطنت پهلوی مراجعه شود.

تفاهم کرده بودند که کافتارزاده برای مذاکرات نفت به ایران برود (فاتح، ۱۳۳۵، ص ۳۶۴). آمریکا، از یک طرف سیاست تهدید را به کار گرفته بود و از طرف دیگر، از نخست‌وزیری قوام حمایت مالی و سیاسی می‌نمود. قوام، با وعده امتیاز نفت به شوروی آنها را به خارج کردن قوایشان از ایران تشویق کرد، با حزب توده در کابینه‌اش ائتلاف کرد، و با تشکیل اسکی^۱ تلاش کرد قدرت اتحادیه‌های حزب توده را بشکند. مجلس، امتیاز نفت شمال را تصویب نکرد؛ و سرانجام هم به ارتش اجازه داد آذربایجان و کردستان را تصرف کند (کاتوزیان، ۱۳۷۲، صص ۱۹۸-۲۰۱ و ۲۹۵؛ هوشنگ مهدوی، ۱۳۳۸، صص ۳۸ و ۲۴؛ طبری، ۱۳۶۶، ص ۴۶). رقابت‌های دولت‌های بزرگ یکبار دیگر باعث اختلاف و تفرقه داخل ایران شد، آن هم زمانی که انگلیس متوجه شد قوام در راستای سیاست‌های آمریکا قدم بر می‌دارد. بنابراین، از طریق روزنامه‌های داخلی و رادیوهای خارجی، مبارزه تبلیغاتی وسیعی را علیه قوام آغاز کرد. نتیجه این تبلیغات، ایجاد تفرقه در مجلس بود که سرانجام هم رأی عدم اعتماد به قوام و استعفای او را به همراه داشت (هوشنگ مهدوی، ۱۳۳۸، ص ۲۴). اگر درخواست امتیاز نفتی آمریکا از ایران فقط با قصد منفعت‌طلبی اقتصادی انجام شده بود، در رده توطئه‌های آمریکا برای تفرقه افکنی در ایران قرار نمی‌گرفت، اما چگونگی تلاش آمریکا برای کسب این امتیاز نشان از بهره‌وری این دولت از سیاست تفرقه‌افکنی دارد. با وجود این اقدامات تفرقه‌انگیز، آمریکا در این جریان، خود را قدرتمند و شوروی را عامل تفرقه نشان داد و وانمود کرد که ایران را از تجاوز شوروی نجات داده است (فاتح، ۱۳۳۵، ص ۳۳۸؛ فردوست، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۴۹).

نقش آمریکا در تفرقه افکنی در ایران از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۲ ش

در ۱۳۲۶/۱۹۴۷، محمدرضا شاه، خود را پادشاه مشروطه نشان می‌داد؛ اما در واقع با کمک آمریکایی‌ها ارتش را تقویت می‌کرد. شرط کمک‌های مالی آمریکا به شاه آن بود که نحوه خرج کردن آن به تصویب آمریکا برسد. در همین سال، موافقتنامه اعزام مستشاران آمریکایی بین ایران و آمریکا بسته شد (آبراهامیان، ۱۳۹۲، ص ۳۰۳؛ هوشنگ مهدوی، ۱۳۳۸، صص ۳۰ و ۴۳-۴۴).

مخالفت‌های آیت‌الله کاشانی با استعمار و حمایت ایشان از مردم فلسطین و فعالیت‌های حزب توده برای منافع آمریکا مانع محسوب می‌شد؛ لذا در ۱۳۲۶/۱۹۴۷، دولت حکیمی به توصیه وزارت خارجه آمریکا طرحی برای توقیف عناصر آزادیخواه ایران تدوین و به تصویب کمیسیون امنیت ستاد ارتش رساند. به دنبال این توطئه‌ها، در جریان سوء قصد به شاه در ۱۳۲۷، شاه عامل سوء قصد را اعضای حزب توده و گروه طرفدار آیت‌الله کاشانی (هرچند هیچ نقشی در سوء قصد نداشت) معرفی و آنها را دستگیر نمود (مدنی، ۱۳۸۷، صص ۳۳۳-۳۳۴).

۱. اسکی، اتحادیه سندیکاهای کارگری ایران بود که توسط عوامل انگلیس در رقابت با شورای متحده مرکزی کارگران و زحمت کشان ایران تأسیس شد. با اشرف پهلوی، رزم‌آرا، شریف امامی، مهین روابط نزدیک داشت. اتحادیه‌های اسکی از طریق واسطه خسرو هدايت به اشرف پهلوی مربوط بود (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۰، ج ۲، صص ۳۹۹-۴۰۰. طبری، ۱۳۶۳، ص ۲۹).

۳۳۴ و ۳۴۱-۳۴۲؛ پژوهش گروهی، ۱۳۷۱، ص ۵۰۱؛ کاتوزیان، ۱۳۷۲، ص ۲۹۱).
آمریکا، به دلایلی، از جمله اعلام بی طرفی ایران، موقعیت استراتژیک، اهمیت منابع نفتی خلیج فارس، ترس از بحران نفتی درازمدت در ایالات متحده و آسیب رسیدن به اقتصاد و امنیت آمریکا و اروپای باختری، و ترس از الگو گرفتن کشورهای دیگر از ملی شدن صنعت نفت ایران، مخالف ملی شدن صنعت نفت بود؛ اما با توجه به فضای ضد انگلیسی مردم ایران، چهره به ظاهر ملی به خود گرفت و با تبلیغات گسترده در داخل و خارج ایران علیه انگلیس، نقش میانجی بین ایران و انگلیس ایفا کرد و با اجرای سیاستی دوگانه خواستار برهم خوردن وضع موجود در صنعت نفت ایران و پیدا شدن راهی برای نفوذ و ورود خود در این عرصه بود (گازیوروسکی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۵؛ بیل، بی تا، صص ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۰۰؛ کینزر، ۱۳۸۲، ص ۱۶۵؛ ساکما، ۱۵۱۷۲/۲۴۰). به این منظور، تشکل‌های ایران را به صورت غیر مستقیم تحت نظر و جاسوسی قرار داد و با تقویت چماق‌داران و لومپن‌ها به سردستگی افرادی همچون شعبان جعفری، و گروه‌های سومکا و پان ایرانیست و زحمتکشان به تفرقه افکنی در ایران برای تضعیف نهضت ملی ایران پرداخت (زاده محمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۸).

در این دوره زمانی، گروه‌های اجتماعی ایران از نظر فکری و سیاسی اختلافات زیادی با هم داشتند. اما مخالفت با انگلیس و مسئله نفت باعث شد این گروه‌ها با هم متحد شوند. از جمله این گروه‌ها، جبهه ملی بود که در ۱۹۴۹/۱۳۲۸ با هدف اصلاح انتخابات به دبیرکلی مصدق و گروهی از افراد ضد دربار، سیاستمداران وابسته به بازار، و شماری از جوانان تحصیل کرده غرب تشکیل شد (آبراهامیان، ۱۳۹۲، ص ۳۱۱). جبهه آزادی خواهان نیز با هدف حفظ مشروطه، برقراری استقلال ملی، خلع ید از اشراف زمین دار، و استقرار جامعه سوسیالیستی اعلام وجود نمود. حزب زحمتکشان را بقایی، دموکرات پیشین و خلیل ملکی، روشنفکر مارکسیستی که حزب توده را به دلیل اختلافات سیاسی با رهبران آن ترک کرده بود، تشکیل دادند (آبراهامیان، ۱۳۹۲، صص ۳۱۱-۳۱۳). حزب ملت ایران، که مؤسس آن داریوش فروهر بود، به شدت ضد دربار، ضد کمونیست، ضد سرمایه داری، ضد یهود، و حتی ضد روحانیان بود. از دیگر گروه‌های مهم و اثرگذار، جامعه مجاهدین اسلام، به رهبری آیت الله کاشانی و سازمان فداییان اسلام بود که با آیت الله کاشانی رابطه داشت. این سازمان، برای مبارزه با تمام اشکال بی دینی ایجاد شده بود (آبراهامیان، ۱۳۹۲، صص ۳۱۱-۳۱۸). به گروه‌های اسلامی گروهی دیگر از روحانیان بی تفاوت نسبت به سیاست درباری و ساده اندیش هم اضافه شدند (گازیوروسکی، بی تا، صص ۷ و ۸). ملاحظه می شود که نه تنها بین گروه‌های جبهه ملی، بلکه بین گروه‌های اسلامی اختلافاتی وجود داشت و در این بین، اختلافات بین جبهه ملی و گروه‌های اسلامی شفاف تر بود. با توجه به اختلافات این گروه‌ها، آمریکا

و انگلیس تا توانستند به این تفرقه‌ها دامن زدند تا اتحاد این گروه‌ها گسسته شود. برای این توطئه‌ها، نخست‌وزیرانی همچون قوام و رزم‌آرا عوامل خوبی بودند.

در ۱۹۵۰/۱۳۲۹، رزم‌آرا، که سیاست انگلیس و آمریکا و شوروی او را تأیید کرده بودند، نخست‌وزیر شد (آبراهامیان، ۱۳۹۲، ص ۳۲۴؛ مدنی، ۱۳۸۷، صص ۳۵۰، ۳۵۱؛ فاتح، ۱۳۳۵، ص ۵۰۵). رزم‌آرا انتخاب شده بود تا نقش قوام را ایفا کند. او برای انتقاد آشکار از ثروتمندان، نزدیکی به روشنفکران رادیکال و در نتیجه عمیق‌تر کردن شکاف میان حزب توده و جبهه ملی آمادگی داشت (آبراهامیان، ۱۳۹۲، ص ۳۲۴؛ کاتوزیان، ۱۳۷۲، ص ۱۶۵). از طرف دیگر، رزم‌آرا مأمور بود «قرارداد الحاقی گس-گلشایان» را نزد مردم کم‌اهمیت نشان دهد (مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۷، ص ۴۰). با ترور رزم‌آرا توسط فداییان اسلام، این توطئه‌ها به بن‌بست رسید. پس از قتل رزم‌آرا، شرکت‌های نفت آمریکایی که چشم به اوضاع ایران دوخته بودند، نرمش نشان دادند. روزنامه‌های مربوط به این شرکت‌ها بحث‌هایی داشتند که اگر ایران با شرکت‌های آمریکایی مذاکره کند می‌تواند تا هفتاد درصد سود خالص را ببرد. از همان تاریخ، یک خط کمرنگ متمایل به آمریکا با پوشش ملی به چشم می‌خورد، ولی کسی به آن توجه نداشت (مدنی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۵۷).

در ۱۹۵۱/۱۳۳۰، مصدق نخست‌وزیر شد. مصدق و بیشتر مشاورانش تحصیل‌کرده غرب بودند. مشاور اصلی مصدق «صالح» بود که در کابینه‌های مختلف حضور داشت و سفیر ایران در واشنگتن و تحصیل‌کرده آمریکا بود (آبراهامیان، ۱۳۹۲، صص ۸۵-۸۸؛ آوری، بی‌تا، صص ۳۶۶-۳۶۷). مصدق، در جریان ملی شدن صنعت نفت در کنار گروه مذهبی و آیت‌الله کاشانی قرار گرفت (آبراهامیان، ۱۳۹۲، ص ۱۹۳). «به کمک او (آیت‌الله کاشانی) دکتر مصدق و دیگر سران نهضت ملی شدن صنعت نفت توانستند حمایت مردم را به این حرکت جلب کنند؛ و الاً حمایت مردم جلب نمی‌شد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰).

در زمان انتخاب مصدق به نخست‌وزیری، بودجه سالانه برنامه بدامن به حدود یک میلیون دلار افزایش یافت (گازیوروسکی، ۱۳۷۱، ص ۱۷۰). آمریکا، ضمن نگرانی از ملی شدن صنعت نفت و قرار گرفتن کنترل نفت ایران در اختیار ایرانی‌ها، پذیرش لفظی اصل ملی شدن با اتخاذ ترتیباتی که کنترل آن در اختیار ایران نباشد را مصلحت دانست. براساس توضیح یک نماینده آمریکایی، اصطلاح «ملی شدن» مسئله چندان مهمی نیست؛ زیرا طبق آنچه که آنان در سر دارند، «کنترل عملیات» همچنان در اختیار شرکت نفت باقی خواهد ماند. اسناد موجود نشان می‌دهد که در این دعوای آمریکا کاملاً با انگلیس هماهنگ بود^۱ (آبراهامیان، ۱۳۹۲، صص ۱۲۹-۱۳۰؛ گازیوروسکی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۷. ساکما، ۱۵۱۷۲/۲۴۰).

آمریکا، خیلی بیشتر از انگلیس نگران ملی شدن صنعت نفت بود. پیش از نخست‌وزیری

۱. به نامه گریبی به مصدق در پیوست‌ها دقت شود.



مصدق، مک‌گی، معاون وزیر خارجه آمریکا، با عجله عازم تهران شده بود تا به انگلیس توصیه کند با ارائه «پیشنهاد‌های سخاوتمندانه» از «پیامدهای ناخواسته» از جمله «ملی شدن» به «هر شکلی» جلوگیری کند. او حتی به سفیر انگلیس توضیح داده بود که خود «برای کمک در مبارزه با ایده ملی شدن» در صحنه حضور دارد (آبراهامیان، ۱۳۹۲، ص ۱۳۸). یکی از اقدامات آمریکا در راستای منافعش در ایران توسل به اقدامات سیاسی محرمانه بود. ترکیب اصلی این کار، برادران رشیدیان از اوایل ۱۳۱۹/۱۹۴۰، یعنی اوایل جنگ جهانی دوم بود. تفرقه و اختلاف بین اعضای جبهه ملی از جمله اقدامات برادران رشیدیان بود (گازبوروسکی، بی تا، صص ۱۹ و ۲۱). بیشتر منابع، برادران رشیدیان را عوامل انگلیس در ایران می‌دانند؛ اما طبق اسناد منتشر شده در آبان ۱۳۳۰/نوامبر ۱۹۵۱ این عوامل جاسوسی توسط دستگاه جاسوسی انگلیس (MI-6) در اختیار سیا قرار گرفتند (گازبوروسکی، بی تا، صص ۱۹ و ۲۱). از جمله اقدامات رشیدیان در تفرقه افکنی، دادن رشوه به نمایندگان مجلس، نفوذ در بازار، ایجاد تفرقه در بین مردم، گردآوری اراذل و اوباش، نفوذ در ارتش و اغتشاش توسط سربازان بود (وودهاوس، ۱۳۶۴، ص ۲۱؛ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۳۴۲؛ کینزر، ۱۳۸۲، ص ۱۶).

از دیگر ابزارهای آنها، ترور شخصیت و تبلیغات فرهنگی گسترده در داخل و خارج از ایران بود. آنها در روزنامه‌ها و مجلات، مصدق را تمسخر و بدنام می‌نمودند (کینزر، ۱۳۸۲، ص ۱۶). در راستای فعالیت‌های تفرقه افکنانه، در مذاکراتی که با آیت‌الله کاشانی انجام دادند به ایشان گفتند در صورت همکاری، ایشان را رئیس مسلمین خاورمیانه می‌کنند و اگر قبول نکرد ایشان را از هواخواهان کمونیسم خواهند دانست (قشقایی، ۱۳۶۶، ص ۶۱). چون در تلاش خود موفق نشدند، با نفوذ در حزب توده از طریق روزنامه‌های وابسته به حزب، انواع دشنام‌ها و تهمت‌ها را نثار آیت‌الله کاشانی کردند. آنها برای بی اعتبار کردن روحانیت، که عامل اتحاد مردم در نهضت ملی بود، همه رسانه‌های گروهی و دستگاه‌های تبلیغاتی را به کار گرفتند (گروهی از هواداران نهضت اسلامی ایران و اروپا، بی تا، ص ۳۱). این ابزار تبلیغاتی در تفرقه در داخل و خارج ایران بسیار تأثیر گذار بود و با نزدیک شدن به کودتای ۲۸ مرداد اوج گرفت (وودهاوس، ۱۳۶۴، صص ۲۵-۲۶).

حملات فرهنگی آمریکا و انگلیس علیه آیت‌الله کاشانی و مصدق چنان مؤثر بود که حتی بسیاری از تاریخ‌دانان امروزی نیز بدون هیچ تعمقی آن را نقل می‌کنند. در مورد مصدق، بعد از اینکه مصدق به آمریکا اعتماد کرد همه آن تبلیغات برعکس شد و از مصدق یک چهره ملی ناسیونالیست قهرمان برجای ماند.

تفرقه افکنی آمریکا در ایران اینگونه مشخص می‌شود که آمریکا از یک طرف هریمن

را برای میانجی‌گری بین ایران و انگلیس به ایران می‌فرستد؛ و از طرف دیگر، سیا، گروهی را به ظاهر به اسم حزب توده- و در واقع پوششی از حزب توده- توسط گروهی از اعضای حزب زحمتکشان ترغیب می‌کند، تا همزمان با ورود هریمن شورش‌کننده (آبراهامیان، ۱۳۹۲، صص ۱۷۰-۱۷۱؛ نجاتی، ۱۳۷۱، ص ۱۹). هدف آمریکا تفرقه‌افکنی بین گروه‌های درون جبهه ملی از جمله طرفداران مصدق و بقایی و ایجاد رعب و وحشت مردم از کمونیست شدن ایران در صورت ادامه نخست‌وزیری مصدق بود. طرح شکایت انگلیس در سازمان ملل باعث شد مصدق با هیئتی که متین‌دفتری هم عضو آن بود، در ۱۹۵۱/۱۳۳۰ به نیویورک برود. در سازمان ملل، ابتدا به نفع منافع ایران رأی دادند. مصدق آن را پیروزی برای ایران و کشورهای جهان سوم تلقی کرد. در طول سفر مصدق در واشنگتن، وزیر امور خارجه آمریکا به ترومن مشاوره‌ای داد که در گفت‌وگو با مصدق کلیاتی مبهم مانند خطرات کمونیسم، دوستی آمریکا برای ایران، و دغدغه بی‌طرفانه آمریکا در بحران نفتی را مطرح کند. آنها در این مذاکرات پیشرفت کردند. آنها به‌جز اینکه با مصدق مبهم صحبت نمودند، ضمن صحبت با متین‌دفتری از او قول گرفتند که حداکثر نفوذ خود را روی نخست‌وزیر به کار برد تا مصدق پیشنهادهای آنها را رد نکند. آنها، در قبال این همکاری‌های دفتری به او پول می‌دادند (آبراهامیان، ۱۳۹۲، صص ۱۸۰-۱۸۵؛ راتین، ۱۳۵۸، صص ۲۵۲-۲۵۳). این مسائل نشان می‌دهد که آمریکا برای کسب موقعیت برتر در ایران، در مواردی، و البته به‌ظاهر، خود را مدافع مصدق نشان می‌داد و از او حمایت می‌کرد اگرچه وجود این دولت ملی در میان مدت هم نمی‌توانست مورد حمایت آمریکا قرار گیرد و حمایت و دفاع آمریکا از مصدق اقدامی مقطعی بود.

مصدق می‌خواست از کمک‌های آمریکا به‌عنوان اهرمی برای اعمال فشار به انگلیسی‌ها استفاده کند، اما به بازپچه‌ای در دست آمریکایی‌ها تبدیل شد (دلدم، بی‌تا، ص ۲۶۴). از همین زمان «دکتر مصدق به آمریکاییها اعتماد کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲). مصدق، به دلیل عدم موافقت شاه با اعطای سمت وزارت جنگ به او، از نخست‌وزیری استعفا داد. انحلال مجلس هفدهم نیز که تنها ارگان رسمی حامی مردم بود، از جمله اقدامات مصدق بود که بعد از اعتماد به آمریکا انجام شد (گروهی از هواداران نهضت اسلامی ایران و اروپا، بی‌تا، ص ۳۱؛ کاتوزیان، ۱۳۷۲، صص ۲۲۱ و ۲۲۳). براساس اسناد موجود، آمریکا قصد داشت بعد از کودتا، از طریق قانونی به اهدافی که به آن رسید، برسد. از جمله این تلاش‌ها می‌توان به گفتگو با شاه و حمایت از قوام و اصرار به برکناری مصدق اشاره نمود که نتیجه آن استعفای مصدق در اواخر تیر ۱۳۳۱ بود. این توطئه با حمایت آیت‌الله کاشانی و رهبری مردم در قیام ۱۳۳۱/۴/۳۰ و نخست‌وزیری مجدد مصدق ختنی شد (آبراهامیان، ۱۳۹۲، صص ۱۹۲-۱۹۸). توطئه دیگر، انحلال مجلس هفدهم با فرارندوم مصدق بود (کاشانی، ۱۳۹۳، ص ۲). این توطئه آمریکا و انگلیس، با اقدامات تفرقه‌انگیز

توسط نمایندگان طرفدار مصدق در مجلس از جمله خسرو و محمدحسین قشقایی و حزب توده همراه بود (آبراهامیان، ۱۳۹۲، ص ۱۹۳؛ کاشانی، ۱۳۹۳، ص ۲).
در این زمان، آمریکا، با گفت‌وگو با شاه و دادن پول برای حمایت از قوام، اصرار داشت مصدق کنار برود و قوام جای او را بگیرد که سرانجام با استعفای مصدق این اتفاق افتاد «اما حمایت آیت‌الله کاشانی از مصدق و رهبری مردم در قیام ۱۳۳۱/۱۹۵۲ باعث بازگشت مصدق به نخست‌وزیری شد (آبراهامیان، ۱۳۹۲، صص ۱۹۲ و ۱۹۵ و ۱۹۸).
اعتماد مصدق به آمریکا برای مقابله با انگلیس مثل یک شمشیر دو لبه بر علیه دولت او و نهضت ملی عمل کرد و به سود حریف تمام شد. انگلیس از این حربه به خوبی بهره گرفت (رحمانیان، ۱۳۹۱، ص ۴۳۸). آمریکا و دستگاه‌های جاسوسی انگلیس راه اصلی شکست نهضت ملی صنعت نفت را جدا کردن «سیاسیون و سردمداران دولتی از روحانیت و دین دانستند (خامنه‌ای، ۱۳۸۰). «در این یک سال و یک ماه، با وساطت ایادی ضد استقلال این کشور و با توطئه دشمنان این ملت، دکتر مصدق مرتب فاصله خود را با آقای کاشانی زیاد کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰). از جمله اقدامات آمریکا و انگلیس برای فاصله انداختن بین مصدق و روحانیت، مطرح کردن کمونیستی شدن ایران بود چون آنها پیش‌بینی کرده بودند با نزدیک شدن حزب توده به مصدق روحانیت از او فاصله می‌گیرد (روزولت، بی تا، صص ۹۸ و ۹۹).

نقش شبکه‌های جاسوسی آمریکا و انگلیس و عناصر آن در تفرقه افکنی

تفرقه افکنی در ایران، سال‌ها قبل از کودتا توسط شبکه‌های جاسوسی آمریکا و انگلیس آغاز شده بود. شاپور ریپورتر، در دوران مورد بحث با پوشش وابسته مطبوعاتی سفارت آمریکا در تهران حضور داشت و تا زمان کودتا به‌طور رسمی رئیس دارالترجمه سفارت آمریکا و رایزن سیاسی این سفارت بود. وی، به‌عنوان رئیس یک شبکه مستقل اطلاعاتی که در لندن توسط لرد ویکتور روچیلد هدایت می‌شد، عمل می‌کرد. روچیلدها، ثروتمندان صهیونیستی و عوامل وحدت‌بخش عملیات سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و انگلیس بودند و این وحدت در ایران، در سیمای شاپور جی. ریپورتر تبلور می‌یافت. اسدالله علم نیز از جاسوسان این شبکه‌ها بود. شبکه امیراسدالله علم، شبکه جاسوسی مهم دیگری بود که تحت کنترل روچیلدها قرار داشت و کارکرد اساسی آن در دو بعد تبلیغی و سیاسی (به‌ویژه در حزب توده) خلاصه می‌شد. شبکه علم کارایی بالای اطلاعاتی خود را طی سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۲۷ نشان داده بود. این شبکه، عناصر روشنفکر و مطبوعاتی قابل اعتنایی را پیرامون خود گرد آورده بود که بسیاری از آنها حول و حوش احزاب و گروه‌های

سیاسی و به‌ویژه حزب توده معلومات کافی و تجربه غنی اندوخته بود (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۰، ج ۲، صص ۱۸۰ و ۱۷۸-۱۷۹).

شبکه بدامن، با همکاری اینتلیجنس سرویس و سازمان نویناد سیا بر مبنای امکانات غنی بومی MI6 و بودجه کلان سیا تأسیس شد و مسئولیت اداره آن بر عهده شاپور ریپورتر قرار گرفت. او در همکاری با اسدالله علم اجرای پروژه را شروع کرد (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۰، ج ۲، صص ۱۸۰). این شبکه، که یک برنامه تبلیغاتی و سیاسی بود، از طریق شبکه‌ای به سرپرستی دو ایرانی به نام‌های رمزی «نرن»^۱ و «سیلی»^۲ اداره می‌شد و ظاهراً بودجه سالانه‌ای معادل یک میلیون دلار داشت. در بخش تبلیغات، با جعلیات بر محور بزرگنمایی خطر کمونیسم، مقالات و کاریکاتورهای ضد کمونیستی تهیه و در اختیار جراید ایران می‌گذاشت. بدامن، جهت تضعیف جبهه ملی، که پایگاه مردمی اش حزب زحمتکشان و پان‌ایران‌یسم، و گروه‌هایی به رهبری آیت‌الله کاشانی استوار بود، فعالیت می‌کرد. از جمله اقدامات آنها تلاش برای جدایی آیت‌الله کاشانی و هوادارانش از جبهه ملی به تحریک روحانیان ساده‌اندیش و غیرسیاسی و توده مردم علیه وضع موجود و جلب همدردی آنها با شاه به‌عنوان تضمین‌کننده کشور در مقابل کمونیسم بود. به یکی از روحانیان وابسته پول داده شده بود تا یک سازمان مذهبی، در رقابت با آیت‌الله کاشانی ایجاد کند. کوشش‌هایی در جهت برانگیختن حزب زحمتکشان و پان‌ایران‌یسم علیه مصدق و نیز تفرقه میان احزاب مزبور به‌عمل آمد. از دیگر اقدامات بدامن تضعیف موقعیت انگلستان در ایران بود. تحریک و تطمیع قبایل بختیاری برای آشوب و اعلام خودمختاری نیز به تحریک بدامن و توسط زاهدی انجام می‌شد (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۰، ج ۲، صص ۱۸۱ و ۱۸۶؛ گازیوروسکی، بی‌تا، صص ۲۷-۳۱). بدامن، از طریق درگیری مسلحانه مستقیم با همدستان شوروی در ایران، استخدام آشوب‌طلبان برای برهم زدن گردهمایی‌های حزب توده، دادن پول به گروه‌های ضد کمونیستی، رخنه در عاملان تحریک در تظاهرات حزب توده، و اقدام‌های ناپسند، با عنوان «عملیات سیاه» در ایران تفرقه ایجاد می‌کرد. این شبکه‌های جاسوسی، اقدام به تشکیل شبکه‌هایی در میان عشایر و ایالات جنوب کردند که در صورت اشغال ایران توسط شوروی به جنگ‌های چریکی مبادرت کنند. عملیات برون‌مرزی جاسوسی و خرابکاری، در داخل شوروی، با استفاده از عنصر ارامنه آذربایجانی و دیگر اقوامی که در دو سوی مرزهای ایران و شوروی زندگی می‌کردند، از دیگر اقدامات آنها بود (گازیوروسکی، ۱۳۷۱، صص ۱۶۹-۱۷۰؛ گازیوروسکی، بی‌تا، صص ۲۸).

با آغاز مرداد ماه، تبلیغات ضد نهضت ملی توسط این سازمان‌های جاسوسی به اوج رسید. سازمان سیا مأموریتی ساختگی در لبنان، پاکستان، و مصر به شوارتسکف (سرهنک

1. Nerren
2. Cilley

نظامی ژاندارمری) داد تا توقف تصادفی او در تهران را توجیه کند. شوارتسکف، با کیسه‌های دلار به ایران آمد و آن را بین ایرانیان دست‌اندرکار کودتا توزیع کرد. ملاقات روزولت با شاه و همراهی در توطئه کودتا از دیگر اقدامات روزولت بود (کینزر، ۱۳۸۲، صص ۱۶-۳۰). سرانجام این تفرقه‌افکنی‌ها شکست صنعت ملی نفت و کودتای ۲۸ مرداد بود و آمریکا به شکلی تازه نفوس به سیطره و نفوذ و سلطه پرداخت و این سهم را از مبارزات خونین ملی شدن صنعت نفت به دست آورد (مدنی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۵۴۲). این نتیجه با کمترین هزینه و فقط با تفرقه‌افکنی برای آمریکا به دست آمد.

نتیجه‌گیری

تفرقه افکنی در ایران توسط آمریکا در جنگ جهانی دوم با تضعیف موقعیت انگلستان و اتحاد سرویس‌های جاسوسی آمریکا و انگلیس آغاز شد. موقعیت استراتژیک ایران و منابع غنی نفتی آن از مهم‌ترین دلایلی بود که سیاستمداران و شرکت‌های آمریکایی را به ایران متوجه نمود. ملی شدن صنعت نفت خطری بالقوه برای منافع آمریکا به حساب می‌آمد. آمریکا در دوره زمانی مورد پژوهش با ظاهری دوستانه و موجه، اما با سیاست‌های تفرقه‌برانگیز می‌خواست با به حاشیه راندن رقبا به اهدافش دست یابد و در این راستا از ترور شخصیت، تبلیغات دروغین، تفرقه‌های درون گروهی، و اقدامات تفرقه‌انگیزانه دیگری استفاده کرد. در این میان، ساده‌پنداری و جاه‌طلبی برخی عناصر داخلی کمک بسیاری به این اقدامات تفرقه‌افکن نمود. در هر صورت، ملی شدن صنعت نفت حاصل اتحاد و هوشیاری گروه‌ها و کودتای ۲۸ مرداد، حاصل ساده‌پنداری، حرص برخی افراد، و اختلافات درون گروهی بود. با کودتای ۲۸ مرداد، آمریکا توانست رقبای بین‌المللی‌اش را کنار بزند و بر ایران مسلط شود. با توجه به این موضوع می‌توان نتیجه گرفت که تفرقه‌افکنی توسط مخالفان، یکی از کم هزینه‌ترین و درعین حال مؤثرترین ابزار برای رسیدن به اهداف است؛ و اتحاد، وفاداری به آرمان‌ها و اهداف، و هوشیاری از مهم‌ترین راه‌های مقابله با این اقدامات و تبلیغات تفرقه‌برانگیز است.

کتابنامه

اسناد

اسناد آرشیو ملی ایران
اسناد بایگانی وزارت امور خارجه



کتاب

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۹۲). *کودتا*. تهران: نی.
- آبراهامیان، پرواند (۱۳۹۲). *ایران بین دو انقلاب* (ج ۲۰). (احمد گل محمدی، محمد ابراهیم فتاحی، مترجمان). تهران: نی.
- آوری، پیتر (۱۳۳۹). *تاریخ معاصر ایران از تأسیس تا انقراض سلسله قاجاریه* (ج ۱ و ۲). (محمد رفیعی مهرآبادی، مترجم). بی جا: مؤسسه مطبوعاتی عطایی.
- استوارت، ریچارد. (۱۳۷۰). *در آخرین روزهای رضاشاه* (عبدالرضا هوشنگ مهدوی، کاوه بیات، مترجمان). تهران: نو.
- بولارد، سر ریدر، اسکراین، سرکلار مونت (۱۳۳۴). *شترها باید بروند*. (ج ۳). (حسین ابوترابیان، مترجم). تهران: نو.
- بیل، جیمز (بی تا). *شیر و عقاب*. بی جا: بی نا.
- خلعت بری، فریده (۱۳۷۳). *کیانوری و ادعاهایش*. بی جا: شباویز.
- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام (بی تا). *اسنادلانه جاسوسی*. شماره ۸ تهران: انتشارات لانه جاسوسی.
- دلدم، اسکندر (بی تا). *حاجی واشنگتن*. بی جا: بی نا.
- رائین، اسمائیل (۱۳۵۸). *اسرار خانه سدان*. تهران: امیرکبیر.
- رحمانیان، داریوش (۱۳۹۱). *ایران بین دو کودتا*. تهران: انتشارات سمت.
- روبین، باری (۱۳۳۳). *جنگ قدرت‌ها در ایران* (محمود مشرقی، مترجم). بی جا: انتشارات هفته.
- روزولت (بی تا). *کودتا در کودتا*. بی جا: بی نا.
- زاده محمدی، مجتبی (۱۳۸۵). *لومین‌ها در سیاست عصر پهلوی*. تهران: مرکز.
- طالع، هوشنگ، حریقی، پیمان (۱۳۸۹). *گوشه‌های پنهان توطئه برای تجزیه مهاباد*. لنگرود: سمرقند.
- طبری، احسان (۱۳۳۶). *کژراهه* (ج ۲). تهران: امیرکبیر.
- عتیق پور، محمد (۱۳۷۹). *بلوای نان*. تهران: شریف.
- فردوست، حسین (۱۳۷۰). *ظهور و سقوط پهلوی، خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست* (ج ۳). تهران: اطلاعات.
- فقیه حقانی، موسی، نجفی، موسی (۱۳۸۴). *تاریخ تحولات سیاسی ایران (بررسی مؤلفه‌های دین، حاکمیت، مدنیت و تکوین دولت-ملت در گستره هویت ملی ایران)* (ج ۴). تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- فاتح، مصطفی (۱۳۳۵). *پنجاه سال نفت ایران*. تهران: بی نا.
- فوران، جان (۱۳۹۰). *مقاومت شکننده* (ج ۱). (احمد تدین، مترجم). تهران: رسا.
- قشقایی، محمدناصر صولت (۱۳۶۶). *سال‌های بحران* (ج ۲). (نصرالله حدادی، مصحح). تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.



- کاتوزیان، محمد علی همایون (۱۳۷۲). *اقتصاد سیاسی در ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی* (چ ۳). محمد رضا نفیسی، کامبیز عزیزی، مترجمان. تهران: نشر مرکز.
- _____ (۱۳۷۲). *مصداق و نبرد قدرت* (چ ۲). (احمد تدین، مترجم). تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی.
- _____ (۱۳۸۰). *دولت و جامعه در ایران* (چ ۲). (حسن افشار، مترجم). تهران: نشر مرکز.
- کینزر، استیون (۱۳۸۲). *همه ی آدم های شاه* (منیژه شیخ جوادی، مترجم). تهران: پیکان.
- گازیوروسکی، مارک (بی نا). *کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲* (غلامرضا نجاتی، مترجم). بی جا: بی نا.
- _____ (۱۳۷۱). *سیاست خارجی آمریکا و شاه*. تهران: رسا.
- گروه پژوهش جامی (۱۳۷۱). *گذشته چراغ راه آینده است*. (چ ۲). تهران: نیلوفر.
- گروهی از هواداران نهضت اسلامی ایران و اروپایی (تا). *روحانیت و اسرار فاش نشده از نهضت ملی صنعت نفت*. قم: دارالفکر.
- لسانی، ابوالفضل (۱۳۵۷). *طلای سیاه یا بلای ایران* (چ ۲). تهران: امیرکبیر.
- مدنی، سید جلال الدین (۱۳۸۷). *تاریخ سیاسی معاصر ایران*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- محمدی، ۱۳۶۶ منوچهر (۱۳۶۶). *اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: امیرکبیر.
- موجانی، حمیدعلی (۱۳۷۵). *گزیده اسناد روابط ایران و آمریکا (۱۸۵۱-۱۹۲۵)*. "سند شماره ۱۱۱، فرستنده: انجمن تربیتی ایران و آمریکا، گیرنده: وزارت امور خارجه آمریکا، موضوع: ترجمه گزارش سالانه انجمن در خصوص فعالیت در ایران، ۱۶ ژوئن ۱۹۱۱"، همچنین سند ۱۱۶، تهران: اداره انتشار اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- مؤسسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۷۷). *قصه‌ها و غصه‌ها* (چ ۲). بی جا: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.
- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (۱۳۷۰). *ظهور و سقوط پهلوی، جستارهایی در تاریخ معاصر ایران* (چ ۳). (چ ۲). تهران: اطلاعات.
- میلسپو، آرتور (۱۳۷۰). *آمریکا بیها در ایران* (عبدالرضا هوشنگ مهدوی، مترجم). تهران: البرز.
- نجفی، موسی (۱۳۷۸). *مقدمه‌ی تحلیلی تاریخ تحولات سیاسی ایران (دین، دولت، تجدد)*. تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۱). *تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران*. تهران: رسا، چ اول.
- واعظی، حسن (۱۳۸۱). *ایران و آمریکا، بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران* (چ ۳). تهران: سروش.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۳). *بررسی ماهیت قدرت و سیاست خارجی آمریکا و موضوع برقراری رابطه* (چ ۲). قم: دفتر نشر معارف.
- وود هاوس، سی. ام. (۱۳۶۴). *عملیات چکمه* (فرحناز شکوری، مترجم). تهران: نو.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۳۸). *تاریخ روابط خارجی ایران*. بی جا: مولف.
یمگانی، پارسا (۱۳۵۷). *کارنامه مصدق* (ج ۱). تهران: رواق.

مقالات

کاشانی، سید محمود (۱۳۹۳) "پیشگیری از اعدام افسران توده ای در سال های ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴"، فصلنامه
ایران شناسی، چاپ مریلن آمریکا، ۲۶ (۱).

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۳۸). "افسانه ی رضاشاه و هیتلر". *تاریخ معاصر ایران*، کتاب هشتم، مجموعه
مقالات، تهران: مؤسسه پژوهشی و مطالعات فرهنگی، صص ۱۱-۲۶.

منابع الکترونیکی

خامنه ای، سیدعلی (مقام معظم رهبری)، مجموعه صوتی ظهور و سقوط مصدق، دیدار با دانش آموزان و
دانشجویان، ۱۳۹۲/۸/۱۲، از:

[Http://farsi.khmenei.ir](http://farsi.khmenei.ir).

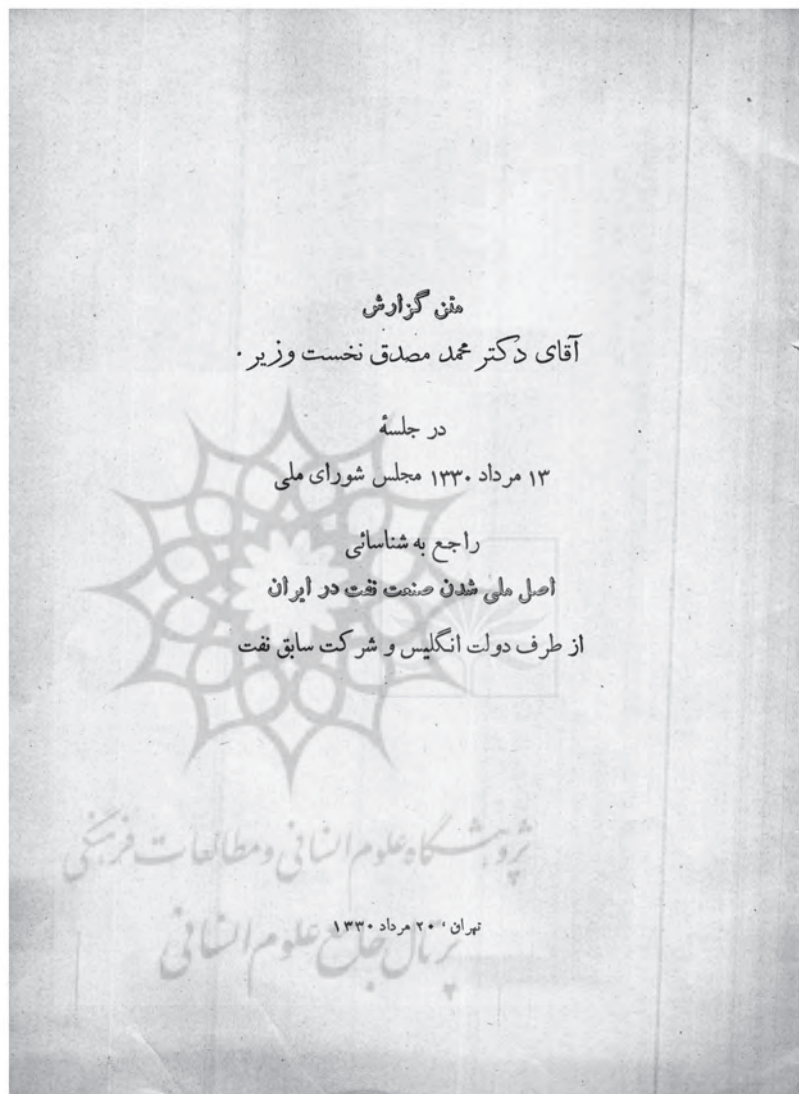
خامنه ای، سیدعلی (مقام معظم رهبری)، مجموعه صوتی ظهور و سقوط مصدق، دیدار با مردم کاشان
از: ۱۳۸۰/۸/۲۰

[Http://farsi.khmenei.ir](http://farsi.khmenei.ir).

www.ir-psri.com

۹۴/۱/۳۱ .





سند شماره ۱

گزارش دکتر مصدق به مجلس شورای ملی
راجع به شناسایی اصول ملی شدن صنعت
نفت در ایران از طرف دولت انگلیس و
شرکت سابق نفت و اقدامات هریمن در
این زمینه.



در سی ام خرداد ماه گذشته اینجانب گزارش مشروح مذاکرات دولت ایران را با هیئت نمایندگی اعزامی شرکت سابق نفت انگلیس و ایران بعرض آقایان نمایندگان محترم رسانیده و توضیح دادم که با آنکه دولت ملی یادداشت هشتم خرداد ماه ۱۳۳۰ صریحاً قید کرده بود که دولت ایران فقط در حدود قانون ملی شدن صنعت نفت حاضر بمذاکره است هیئت نمایندگی شرکت سابق پس از چندین بار استمهال ساعت هشت بعد از ظهر سه شنبه ۲۸ خرداد ماه ۱۳۳۰ در کالج نخست وزیری یادداشت غیر منتظره ای که بکلی مباین با قوانین راجع بملی شدن صنعت نفت بود تسلیم نمود و بدین جهت دولت ایران از ادامه مذاکرات خودداری کرد و دو روز بعد نمایندگان اعزامی شرکت سابق نفت به انگلستان بازگشتند و بلافاصله دستور خلع ید صادر و به موقع اجراء گذاشته شد.

در هفدهم تیر ماه جناب آقای سفیر کبیر امریکا نامه ای از طرف حضرت ترومن رئیس جمهوری کشورهای متحد آمریکا باینجانب تسلیم نمود که پس از اظهار علاقه بحل اختلاف پیشنهاد فرموده بودند جناب آقای اورل هرین را بشماینده کی مخصوص خود بایران روانه کنند تا درباره این مسئله با اینجانب و دولت ایران بمذاکره پردازند.

اینجانب با اظهار تشکر از حسن نیت ایشان اطلاع دادم چنانچه حق ملی ما مطابق قوانین ملی شدن صنعت نفت مورد موافقت واقع شود دولت ایران حاضر است بلافاصله برای حل کابیه اختلافات وارد مذاکره شود و ورود نماینده حضرت رئیس جمهوری را استقبال نماید.

در تعقیب این پیام ساعت ۱۱ صبح روز یکشنبه بیست و سوم تیرماه جناب آقای اورل هرین وارد تهران شدند و صبح روز بیست و چهارم تیر ماه با اینجانب ملاقات و مذاکره کردند و در تعقیب آن مذاکره و مذاکرات بعدی از طرف هیئت دولت بوزیر دارائی و از طرف هیئت مختلط با آقایان دکتر متین دفتری و دکتر رضا زاده شفق و دکتر شایگان و اللهیار صالح اعضاء آن هیئت مأموریت داده شد که با آقای هرین وارد مذاکره شوند. در نتیجه این مذاکرات در جلسه دوشنبه سی و یکم تیرماه هیئت وزیران و هیئت مختلط که در منزل اینجانب تشکیل گردید فرمول ذیل طرح و مورد تصویب قرار گرفت و بعنوان نظریه قطعی دولت ایران به آقای هرین تسلیم شد:

هیئت وزیران و هیئت مختلط نفت در جلسه دوشنبه ۳۱ تیرماه ۱۳۳۰ منتهی در منزل جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر فرمول ذیل را تصویب نمودند:

اولاً - در صورتیکه دولت انگلیس بوکالت از طرف شرکت سابق نفت انگلیس و ایران اصل ملی شدن صنعت نفت در ایران را بشناسد دولت ایران حاضر است با نمایندگان دولت انگلیس بوکالت از طرف شرکت سابق وارد مذاکره شود.

سند شماره ۲

گزارش دکتر مصدق به مجلس شورای ملی
راجع به شناسایی اصول ملی شدن صنعت
نفت در ایران از طرف دولت انگلیس و
شرکت سابق نفت و اقدامات هرین در
این زمینه.

- ۲ -

تأییداً - دولت انگلستان قبل از اعزام نمایندگان بطهران موافقت خود را بوکالت از طرف شرکت سابق با اصل ملی شدن صنعت نفت رسماً اعلام نماید .

تأییداً - مقصود از اصل ملی شدن صنعت نفت پیشنهادی است که در کمیسیون مخصوص نفت مجلس شورایی ملی تصویب شده و در قانون مورخه ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹ تأیید گردیده است و متن آن ذیلآ درج میشود :
« بنام سعادت ملت ایران و بمنظور کمک بتأمین صلح جهان اعضا کنندگان ذیل پیشنهاد مینمائیم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشاف ، استخراج و بهره برداری در دست دولت قرار گیرد » .

برای مزید استحضار آقای هریمین يك نسخه از یادداشتی را که نمایندگان شرکت سابق نفت راجع بطرز قبول اصلی ملی شدن صنعت نفت بدولت ایران داده اند و مورد قبول واقع نشده باطلاع ایشان رسید .
وایعاً - دولت ایران حاضر است راجع بطریقه اجرای قانون تا آنجا که مربوط بمنافع انگلیس است وارد مذاکره شود .

اکنون متن یادداشت نمایندگان شرکت سابق نفت که مورد قبول دولت ایران واقع شد برای استحضار قرائت میشود :

یادداشت

در یادداشتی که جناب آقای وزیر دارایی روز هشتم خرداد به نمایندگی عمده شرکت در تهران تسلیم نمودند بشرکت اطلاع داده شده بود که دولت شاهنشاهی ایران مایل است از تجارب و اطلاعات شرکست استفاده نماید و حاضر است پیشنهادی را که شرکت تقدیم کند مورد توجه قرار دهد مشروط بر اینکه منافی با اصل ملی شدن نفت نباشد .

اینک شرکت میخواهد بلادرنگ پیشنهاد مثبتی که جنبه موقت دارد تقدیم نموده بدشوسله ثابت کند که مایل است هرچه زودتر يك ترتیب عملی داده شود که طبق آن دولت بتواند از تجربه شرکت استفاده نماید . بنا بر این هیئت نمایندگی از طرف شرکت اجازه دارد مبلغ ده میلیون لیره در اختیار دولت بگذارد . این مبلغ مساعدی خواهد بود ازبابت وجوهی که در نتیجه موافقت نهایی بین دولت و شرکت طلب دولت خواهد بود و با این تقاضا پرداخت میشود که دولت تعهد نماید مادام که مذاکرات در جریان است مانع عملیات شرکت نشود . همچنین ما حاضر هستیم از ماه ژوئیه به بعد هرماه مبلغ سه میلیون لیره تا وقتی که ترتیبی مقرر شود بدولت بپردازیم . در جلسه قبل اینجانب اظهار کردم که ما با حفظ کامل کلیه حقوق خود بسیار مایل هستیم که بوسیله مذاکره با آقایان محترم طریقه رضایت بخشی پیدا کنیم که حسن اداره صنعت را تأمین نموده و با اصل ملی شدن هم منطبق باشد . بنظر شرکت چنین میسر آید که ممکن است براساس طرحی مشتمل بر کلیات زیر ترتیبی داده شود :

دارایی ایرانی شرکت به يك شرکت ملی نفت ایران منتقل گردیده و شرکت مزبور درازای این واگذاری حق استفاده از دارایی مزبور را به شرکت جدیدی که از طرف شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران تأسیس میشود

سند شماره ۳

گزارش دکتر مصدق به مجلس شورای ملی
راجع به شناسایی اصول ملی شدن صنعت
نفت در ایران از طرف دولت انگلیس و
شرکت سابق نفت و اقدامات هریمین در
این زمینه.



- ۳ -

تفویض خواهد نمود. شرکت جدید عده‌ای مدیر ایرانی در هیئت مدیره خود خواهد داشت و از طرف شرکت ملی نفت ایران عمل خواهد کرد. عملیات بخش در ایران به شرکتی منتقل خواهد شد که مالکیت و اداره آن کاملاً ایرانی باشد و انتقال دارایی موجود بان شرکت طبق شرایط مساعدی انجام خواهد گرفت.

شرح فوق فقط کلیات طرز عملی است که امکان پذیر میباشد و شرکت آرا بعنوان يك قدم مثبت در راه پیدا کردن اساس مذاکره پیشنهاد مینماید.

ها نکاتی را که جناب آقای وزیر دارایی در جلسه ۲۳ خرداد بیان فرمودند مورد توجه کامل قرار دادیم. اگر در مفهوم خود اشتباه نکرده باشیم پیشنهاد جناب ایشان این بود که از تاریخ ۲۹ اسفند ماه شرکت بایستی مجموع درآمد فروش نفت ایران را (هنای هزینه) بدولت تحویل دهد که بیست و پنج درصد آن در بانک مرشی الطرفین برای پرداخت مطالبات احتمالی شرکت تودیع گردد. ما يك چنین پیشنهادی را نمیتوانیم قبول کنیم. هیئت برای مذاکره به ایران آمده است و بعقیده ما عنوان يك چنین تقاضایی از طرف دولت ایران قبل از اینکه مذاکرات حتی شروع هم شده باشد عمل غیرموجهی است. بعلاوه ما اطمینان داریم که وقتی ما در ضمن مذاکرات آینده طرز جریان و اداره کار خود را با تفصیل بیشتری برای آقایان توضیح دادیم آقایان با ما هم عقیده خواهند شد که يك چنین تقاضایی نه از لحاظ تجارنی ممکن و نه برای هیچ شرکت نفتی قابل قبول است.

آقای هریمین داوولب شدند که شخصاً این فرمول را با اطلاع دولت انگلستان برسانند و بدین منظور روز جمعه چهارم مرداد ماه با هواپیما بلندن حرکت کردند و روز ششم مرداد ماه ناعه زیر از طرف دولت انگلستان توسط سفارتکیرای آن دولت در تهران بدولت ایران تسلیم شد:

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان پیشنهاد دولت ایران را برای مذاکره بین دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از طرف شرکت نفت انگلیسی و ایران و دولت ایران و برای بحث مطالبی که مورد علاقه متقابل دولتین است توسط آقای هریمین دریافت داشته است.

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایل است از این دعوت استفاده نماید لکن دولت ایران باین نکته توجه خواهد نمود که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بامتنهای حسن نیت وارد مذاکره خواهد شد و مذاکرات مزبور فقط در صورتی میتواند بصورت رضایت بخش جریان یابد که کششی که در حال حاضر در جنوب موجود است تسکین و تخفیف یابد.

با این اطمینان که دولت ایران این حقیقت را تشخیص میدهد و با همان روح وارد مذاکره خواهد شد هیئتی بریاست یکی از وزرا کابینه فوراً حرکت خواهد کرد.

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از طرف خود و از طرف شرکت اصل ملی شدن صنعت نفت در ایران برسمیت میشناسد.

عصر روز ششم مرداد ماه از طرف سفارتکیرای امریکا پیشنهاد شد که دولت ایران در صورت موافقت یاسخی به هضمون زیر توسط آقای هریمین برای دولت انگلستان بفرستد:

سند شماره ۴

گزارش دکتر مصدق به مجلس شورای ملی
راجع به شناسایی اصول ملی شدن صنعت
نفت در ایران از طرف دولت انگلیس و
شرکت سابق نفت و اقدامات هریمین در
این زمینه.



- ۴ -

دولت ایران خوشوقت است که دولت انگلستان طبق پیشنهادی که توسط آقای هرینم تسلیم گردیده
هیشی به ایران اعزام مبادرد. دولت ایران تمایل به رفع تاسیون در جنوب را از قلمه نظر دولتی و بفتح توفیق
مذاکرات مطلوب تشخیص میدهد و دولت ایران با همان روح حسن نیتی که دولت انگلستان ابراز داشته است
وارد مذاکره خواهد شد.

دلی پیشنهاد فوق مورد موافقت دولت ایران قرار نگیرد زیرا در آن صحت از وجود کشی
درخوزستان شده بود که دولت ایران قبول میکرد آنرا رفع کند و ممکن بود از ابهام این کلمه استفاده کرده و آنرا
چنین تعبیر کنند که تمام عملیات مربوط به خلع ید درخوزستان باعث وجود حالت تاسیون شده و دولت ایران
قبول کرده است که برای رفع این حالت وضع را بحال اولیه برگرداند. بدین جهت شب دوشنبه هفتم مردادماه
در جلسه هیئت دولت و هیئت مختلط نفت بجای نامهای که پیشنهاد شده بود نامه‌ای بدین مضمون تهیه و ارسال گردید:

دولت شاهنشاهی ایران خوشوقت است که بر طبق فرمول مورخه دوشنبه ۳۱ تیرماه ۱۳۳۰ (مطابق
۲۳ ژوئیه ۱۹۵۱) که بحضاب آقای هرینم داده بود دولت پادشاهی انگلستان از طرف خود و از طرف شرکت
سابق نفت اصل ملی شدن صنعت نفت را در ایران برسمیت میشناسد و انتظار دارد که این شناسایی رسمی بصورت
عظمی در معرض اطلاع عمومی گذارده شود. و نیز خوشوقت است که دولت انگلستان قصد دارد هیشی را
بسمت وکالت از طرف شرکت سابق نفت برای مذاکره با دولت و مقامات صلاحیتدار به تهران اعزام دارد و در عین
حال هیئت مزبور راجع به طریقه اجرای قانون تألیف که مربوط به منافع متقابل دو کشور است با دولت ایران وارد
مذاکره شود. دولت ایران معتقد است که تاسیونی درخوزستان وجود ندارد و یقین دارد شناسایی رسمی اصل ملی
شدن صنعت نفت محیط مساعدتری بوجود خواهد آورد تا با روح صمیمیت و حسن نیت مذاکره‌ای که در فوق بیان
اشاره شده جریان یابد.

فردای آن شب یعنی روز هفتم مردادماه مطابق با سی‌ام ژوئیه ۱۹۵۱ از طرف جناب آقای سفیر کبر
آمریکا یادداشتی بدین مضمون برای اینجناب رسید:

سفارت کبر ای آمریکا - تهران
۳۰ ژوئیه ۱۹۵۱

نصت وزیر عزیزم

الساعة تلکراف فوری از آقای هرینم دریافت نمودم. ایشان متذکر شده‌اند که تصور نمیکند بتوانند
پهایی را که در شب بمن تسلیم فرمودید بدولت انگلستان تسلیم نمایند. ایشان تصور نمیکند که پیام مزبور تسهلی
در افتتاح باب مذاکرات بنماید. آقای هرینم پیشنهاد میکند که جنابعالی و همکاران شما بتوانید تجدید نظر
در جواب پیشنهادی دولت انگلستان که اهمیت فوق‌العاده دارد بفرمایند. ایشان اطمینان دارند که در صورتیکه
جواب دولت ایران با زبان رضایت بخش‌تری تنظیم گردد اقدامات لازمه برای اعزام فوری یک مبعوث دولتی
انگلیسی مقدور است.

سند شماره ۴

گزارش دکتر مصدق به مجلس شورای ملی
راجع به شناسایی اصول ملی شدن صنعت
نفت در ایران از طرف دولت انگلیس و
شرکت سابق نفت و اقدامات هرینم در
این زمینه.



- ۵ -

با اطمینانیکه بتوجه مخصوص جنابعالی در اینموضوع دارم و اطمینانیکه بعلاقه دولت شما برای پیدا نمودن راه حل مناسبی درموضوع نفت دارم صادقانه امیدوارم که خواهید توانست درپیام دیشب خود تجدیدنظر فرمایید.
هانزی اف. گریدی

که بلافاصله اینجناب نامه زیر را درپاسخ آقای سفیر کبیر آمریکا برای ایشان فرستادم:

سفیر کبیر عزیزم

در جواب یادداشت هفتم مرداد ماه ۱۳۳۰ (۳۰ ژوئیه ۱۹۵۱) محترماً اشعار میدارد بسیار خوشوقت می‌شوم اگر از جناب آقای هریمن سؤال فرمایند کدام جمله از بیانیکه در جواب ایشان در شب گذشته بوسیله جنابعالی بلندن بخاربه شده ایجاد محظور نموده و باعث شده که ایشان تصور کنند پیام مزبور تهییلی در افتتاح باب مذاکرات نمی نماید و بنا براین از تسلیم آن بدولت انگلستان خودداری فرموده اند.
موقع را برای تجدید احترامات مغتنم می‌شمارد.

نصت وزیر - دکتر محمد مصدق

روز بعد آقای هاریمن با هوای بسیار با ایران مراجعت نمودند.

و سه روز بعد از آن یعنی روز جمعه یازدهم مرداد ماه آقای میدلتن کاردار سفارت کبیرای انگلستان در وزارت امور خارجه حضور یافته و نامه‌ای بضمون ذیل با آقای وزیر امور خارجه تسلیم نمودند:

سفارت کبیرای انگلیس - تهران

۱۱ مرداد ۱۳۳۰

شماره ۱۰۰

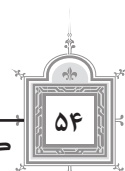
آقای وزیر

برحسب دستور دولت متبوع خود محترماً باستحضار خاطر آنجناب میرساند که آن دولت فرمول دولت شاهنشاهی را برای مذاکره فیما بین دولت شاهنشاهی و دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بوکالت از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران و مذاکره در موضوعهای مربوطه بمنافع متقابل دولین توسط مستر هاریمن دریافت نموده است.
۲- دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایل است فرمول مزبور را مورد استفاده قرارداد و حاضر است طبق آن فرمول مذاکره نماید ولیکن دولت شاهنشاهی تصدیق خواهند نمود که مذاکراتی که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در قسمت خود با کمال حسن نیت وارد آن خواهد شد نمیتواند بطریق رضایت بخشی پیشرفت نماید مگر اینکه تسکینی در محیط فعلی داده شود.

بر طبق اطمینانیکه دولت شاهنشاهی حقیقت مزبور را در نظر میگیرد و ما نیز با همان روح وارد مذاکره خواهیم شد میسبوی که بریاست پکنفر وزیر کابینه خواهد بود بلافاصله حرکت خواهد نمود.

سند شماره ۶

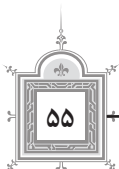
گزارش دکتر مصدق به مجلس شورای ملی
راجع به شناسایی اصول ملی شدن صنعت
نفت در ایران از طرف دولت انگلیس و
شرکت سابق نفت و اقدامات هریمن در
این زمینه.

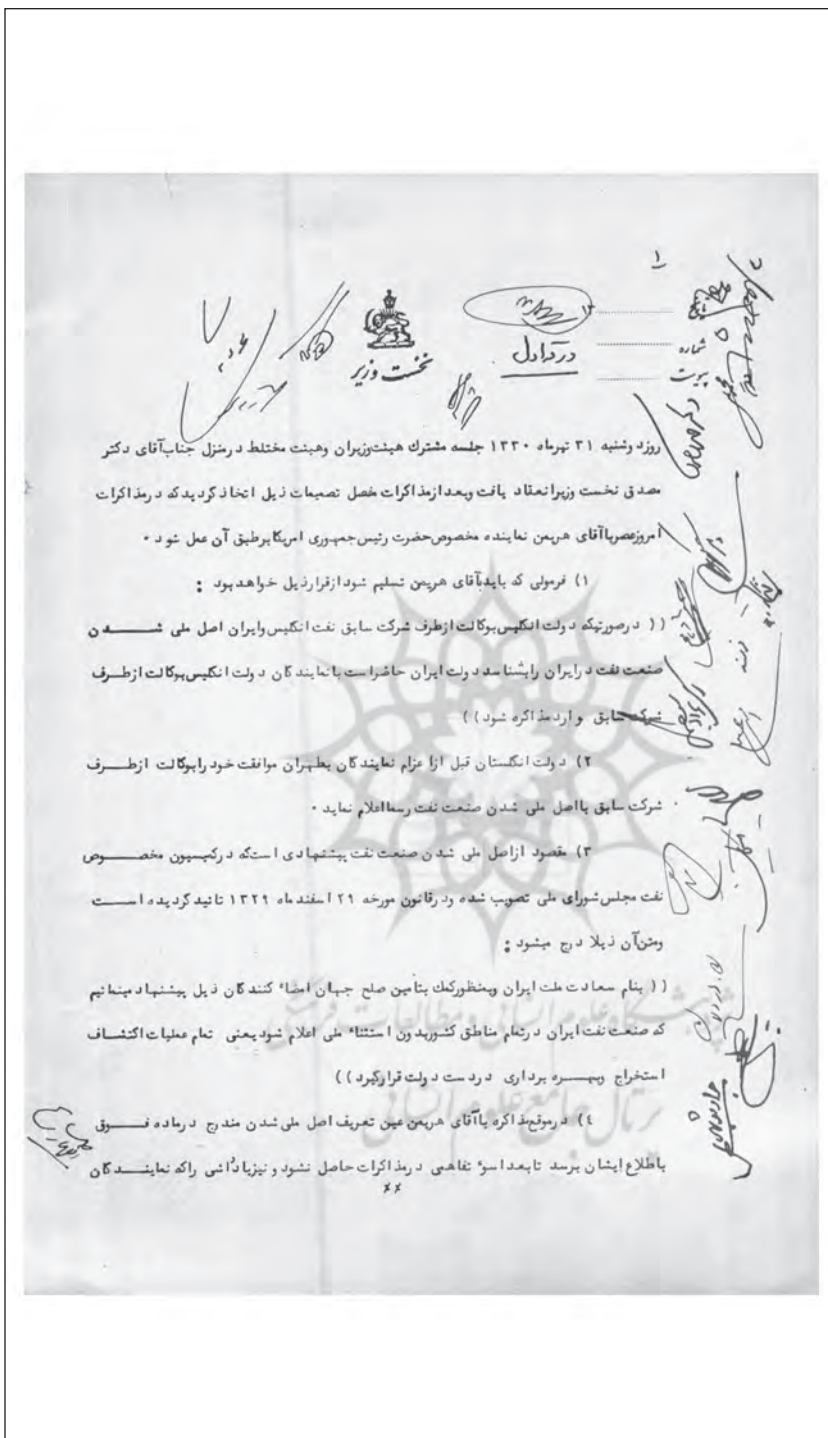




سند شماره ۷

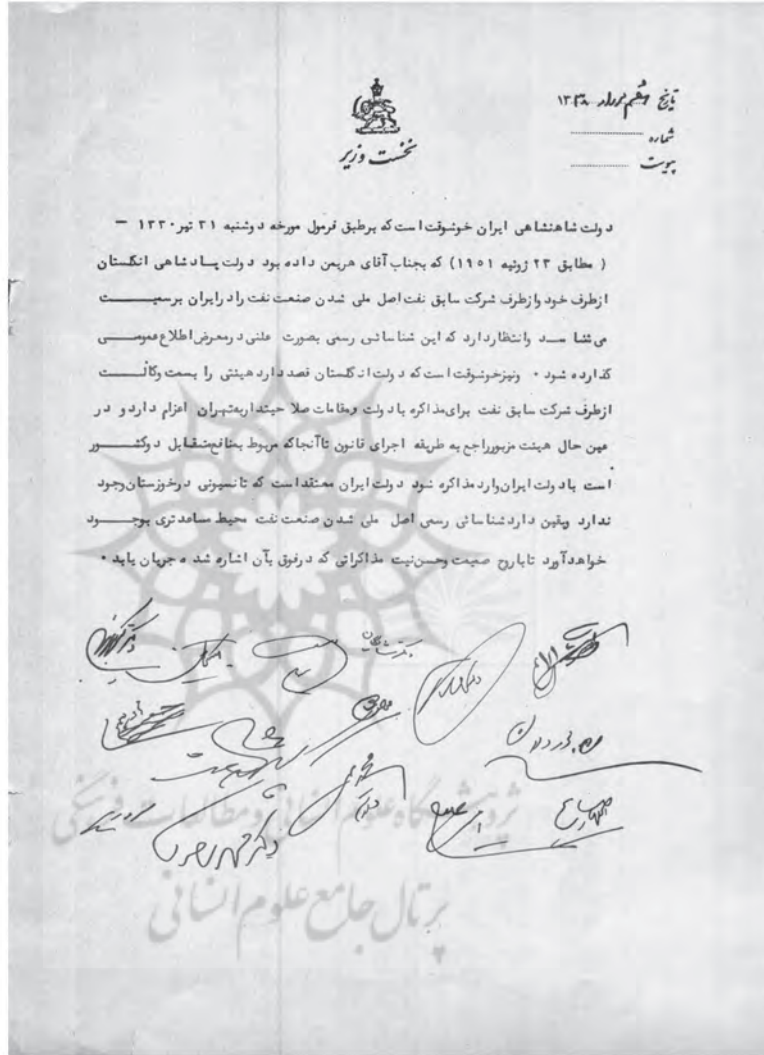
گزارش دکتر مصدق به مجلس شورای ملی
راجع به شناسایی اصول ملی شدن صنعت
نفت در ایران از طرف دولت انگلیس و
شرکت سابق نفت و اقدامات هریمین در
این زمینه.





سند شماره ۸

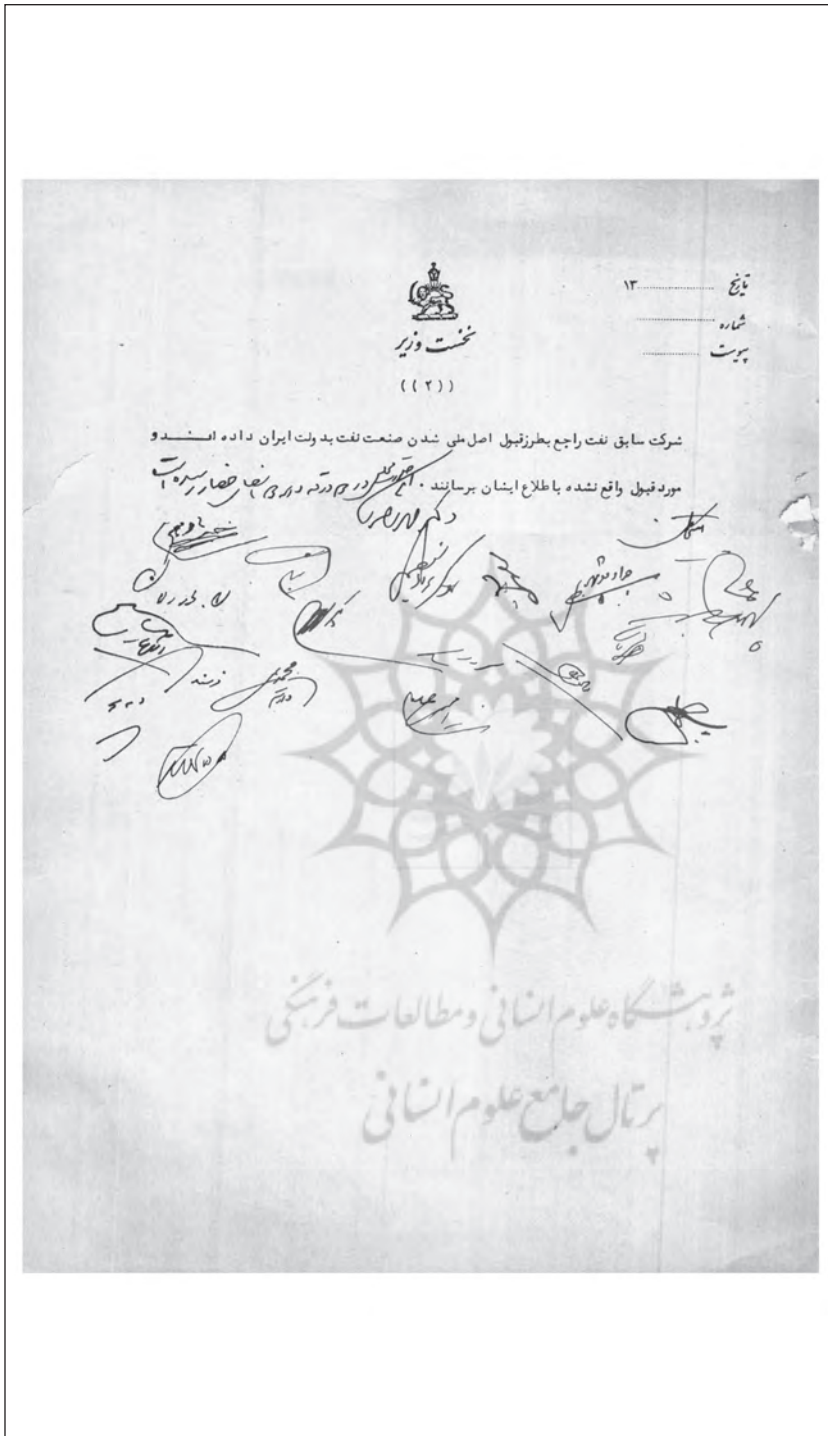
صورت جلسه مشترک وزیران و هیئت
مصلحت در خصوص نحوه مذاکره با هریم



سند شماره ۹

صورت جلسه مشترک وزیران و هیئت
مختلط در خصوص نحوه مذاکره با هرین





سند شماره ۱۰

صورت جلسه مشترک وزیران و هیئت
مختلط در خصوص نحوه مذاکره باهریمن